



26th

INTERNATIONAL FESTIVAL OF FILMS  
FOR CHILDREN & YOUNG ADULTS



# پروانه‌ها

نشریه روزانه بیست و ششمین جشنواره بین‌المللی فیلم‌های کودکان و نوجوانان  
جمعه ۲۱ مهر ماه ۱۳۹۱ / صفحه ۲۰

اعلام نتایج برگزیدگان

بیست‌وششمین جشنواره بین‌المللی فیلم‌های کودکان و نوجوانان

## گستره ایران زیر پرچم جشنواره نویدبخش





بسم الله الرحمن الرحيم

## یادداشت روز

### دین و سینمای کودک و نوجوان ۴

نصرت الله تابش

این آخرین قسمت از بحث نسبت دین و ژانر کودک و نوجوان است، البته در مجال کوتاه نشریه روزانه. و حرف‌های بسیاری باقی می‌ماند تا توفیقی دیگر برای تأکید بر پاسخ‌گویی دین برای پرسش‌های اساسی هنر سینما. بنابراین به یکی از مفاهیم مهم و اساسی در سینمای کودک و نوجوان که رابطه مستقیم و محکمی با موضوع شخصیت‌پردازی در این ژانر دارد می‌پردازیم. یکی از مفاهیم اساسی و بسیار مهم در اغلب فیلم‌های درخشان کودک و نوجوان مفهوم بلوغ است. از این مفهوم در سینمای مربوط به بزرگسالان عمدتاً با واژه تحول در شخصیت یاد می‌شود. مفهومی که یکی از چند عنصر اصلی شخصیت‌پردازی مثل انگیزه، هدف و تحول است. اما در سینمای کودک و نوجوان مفهوم بلوغ گویاتر از مفهوم تحول است. برای مثال در انیمیشن **در جست‌وجوی نمو** با ماهی کوچکی روبه‌رو هستیم که از خانه خود دور می‌شود و در اقیانوسی که شبیه تمثیل هفت خوان رستم در شاهنامه است، گرفتار انواع و اقسام بلاها می‌شود، اما حاصل عبور او از این ماجرا رسیدن به بلوغ است. یا در سه‌گانه **داستان اسباب‌بازی** ما با قهرمانی روبه‌رو هستیم که در انتها به اشتباه خود اعتراف می‌کند و دوباره به اندیشه یکی برای همه و همه برای یکی بازمی‌گردد. برخی از علائم بلوغ همین‌هاست. اعتراف به اشتباه، اعتماد به جمع و توانایی درک دیگران. قهرمانان **داستان اسباب‌بازی** هم طی همین سفرهای انتخابی یا ناگزیر است که به بلوغ می‌رسند. بنابراین اگر من بتوانم مفهوم بلوغ را از منظر دین توضیح دهم، در واقع به اساسی‌ترین مفهوم تماتیک مشترک بین دین و سینمای کودک و نوجوان پرداخته‌ام. به طور خلاصه طبق آنچه که از متون دینی ما استفاده می‌شود، می‌توان عناصر شکل‌گیری بلوغ در کودک و نوجوان را در سه عنوان شخصیت، تفکر و حریت خلاصه کرد. بلوغ را می‌توان از مناظر گوناگون تعریف کرد. برای مثال بلوغ فقهی رسیدن پسران به ۱۵ سالگی و دختران به ۹ سالگی است یا رسیدن به تحولات فیزیولوژیک خاص. بلوغ روانی رسیدن به توانایی بروز عواطف متناسب با موقعیت‌هاست. یا اصلی‌ترین عنصر شکل‌دهنده بلوغ اجتماعی توانایی درک دیگران و تطبیق با شرایط و تلاش منطقی برای تغییر شرایط نامطلوب است. مثلاً اگر کسی پایش روی پوست موز برود و به زمین بخورد، معمولاً باعث خنده اطرافیان می‌شود. برخی از افراد که به بلوغ اجتماعی نرسیده‌اند، معمولاً این خنده‌ها را به معنای تمسخر خویش می‌گیرند و ناراحت می‌شوند. در حالی که اطرافیان واقعاً قصد مسخره کردن ندارند، زیرا این خنده‌ها می‌تواند به دلایل روان‌شناختی گوناگونی اتفاق بیفتد. اما انسان نابالغ درک درستی از این عوامل و تفاوت‌هایشان



## دریچه خبر

### رونمایی از کتاب راهنمای فیلم‌شناسی کودک و نوجوان

کتاب **راهنمای فیلم‌شناسی کودک و نوجوان** با تحلیل ۶۵ فیلم و معرفی بیش از ۱۰۰ فیلم در ۶ بخش و ۲۰ موضوع تربیتی در کمیته برنامه‌های جنبی جشنواره فیلم‌های کودکان و نوجوانان تألیف شده است. این کتاب به همت جمعی از پژوهشگران در اختیار عموم مردم به ویژه والدین و مربیان کودکان قرار گرفته تا برخی از اقلام فرهنگی مناسب در قالب آثار سینمایی بلند، مستند، پویانمایی و... برای القای مفاهیمی کلیدی و مهم همچون هنجارها، فضیلت‌های اخلاقی، هویت فردی، اجتماعی، مذهبی، ملی و فرهنگی و حقوق شهروندی به کودکان و نوجوان معرفی و استفاده شود. این کتاب شب گذشته و پیش از برگزاری نشست تخصصی که ساعت ۲۰:۳۰ در محل سالن همایش هتل کوثر برگزار شد، رونمایی شد.

### کاروان‌های فرهنگی در مناطق محروم



سید محمدرضا میرانصاری، مدیر تبلیغات و امور برنامه‌های جنبی جشنواره کودک و نوجوان، در خصوص برنامه‌های جالب و خادپسندانه‌ای که این جشنواره با فرستادن کاروان‌های فرهنگی به استان‌های مرزی انجام داده است، گفت: «این کاروان‌ها موظف بودند که بسته‌های کاربردی و تربیتی را به این روستاهای محروم ببرند. اصلاً یکی از دلایل ورود یونیسف به جشنواره هم همین کاروان‌های فرهنگی بود. این کاروان‌ها در روز تولد امام رضا اعزام شدند و کار هشت روز به طول انجامید. کاروان‌ها در پنج مسیر مختلف تقسیم شدند و ۱۳ استان مرزی را پوشش دادند. هم‌چنین در ۱۶۰ روستای مرزی و ۱۲۱ مدرسه، ۸ مرکز کودکان بی‌سرپرست، ۱۰ مرکز کانون اصلاح و تربیت و ۹ مرکز بیمارستانی کودکان صعب‌العلاج نمایش فیلم داشتند. البته برای مناطق زلزله زده آذربایجان گروه‌های ویژه‌ای فرستاده شدند که در روستاهای کانون زلزله حضور پررنگی هم داشتند و برای این مناطق بسته‌های ویژه در نظر گرفته شده بود. حتی در یتیم‌خانه‌ای که ۳۰۰ کودک بی‌سرپرست در اثر زلزله حضور داشتند، فیلم **کلاه قرمزی و بچه ننه** هم به نمایش درآمد.

### نتایج نهایی آرای مردمی (۲۰ مهر)

#### بیست و ششمین جشنواره فیلم کودکان و نوجوانان

نام فیلم	امتیاز
گورداله و عمه غولی	۱/۰۲۳۲
آدم آهنی	۰/۹۴۸۷۵
بزرگ مرد کوچک	۰/۷۲۶۲
فرزند خوانده	۰/۶۶۲۸
مروراید	۰/۶۵۱۵
بازگشت به آینده	۰/۵۹۵۵
آقای مدیر	۰/۵۷۵۳
بچه‌های جسور	۰/۴۴۹۰
چتر سبز	۰/۴۳۳۴
روبیید در باد	۰/۴۲۱۴
قبیله من	۰/۴۰۶۳
صداست که می‌ماند	۰/۳۹۲۰
دامنه‌های سفید	۰/۳۲۳۷

ندارد. اما آن‌چه که موجبات بلوغ تربیتی و به معنای دقیق‌تر بلوغ دینی را فراهم می‌کند، همان سه عنصر شخصیت، حریت و تفکر است. بر این اساس ممکن است کسی به ۵۰ سالگی اش برسد، اما از نظر دینی بالغ نشده باشد و به عکس، ممکن است کسی در سنین پایین این بلوغ را تجربه کند. بلوغ دینی آن قدر از منظر دینی مهم است که تربیت دینی و روش‌های آن را می‌توان به دو دوره قبل از بلوغ و بعد از بلوغ تقسیم کرد. بنابراین اگر سینمای کودک و نوجوان ما بتواند این سه ویژگی را به عنوان مفاهیم اصلی تم‌های این گونه سینمایی در دستور کار خود قرار دهد، به تحقق این بلوغ کمک کرده است. هر چند توضیح سه مفهوم شخصیت، حریت و تفکر نیازمند مجال بسیار وسیع‌تری است، به اجمال به آن‌ها می‌پردازیم. مفهوم شخصیت در تربیت دینی با آن‌چه که در روان‌شناسی مطرح است متفاوت است. در روان‌شناسی ما آدم بی‌شخصیت نداریم. بلکه بر اساس ویژگی‌هایی شخصیت‌ها چه مثبت و چه منفی توصیف می‌شوند. مثلاً شخصیت برون‌گرا و درون‌گرا که بر اساس نسبتی که فرد با دیگران برقرار می‌کند، توصیف می‌شود. یا شخصیت سلطه‌طلب و شخصیت سلطه‌جو که بر اساس نسبت فرد یا موضوع قدرت و به کارگیری آن توصیف می‌شود. اما در نگاه تربیت دینی شخصیت آن ویژگی و صفتی است که فرد اگر آن را به دست آورد به عنوان مثال می‌تواند در مقابل دیگران که حتی ممکن است انسان‌های بزرگ باشند استقلال و پرسشگری خود را حفظ کند. حریت به معنی آزاد شدن از همه موانعی است که مانع پذیرش اشتباه می‌شوند که حتی ممکن است در عادات‌های ما ریشه داشته باشند و بالاخره تفکری که ریشه در تلقین و عادت ندارد. یکی از بزرگان عرصه تعلیم و تربیت می‌گوید: «اگر ما بتوانیم شخصیت و حریت و تفکر را در کودک پایه بگذاریم، کار بزرگی کرده‌ایم. شخصیتی که کودک را در برابر هجوم‌ها مسلط کند و به دیگران اجازه ندهد به جای او تصمیم بگیرند و با دستور یا نصیحت و دلسوزی بر او تحمیل کنند و حریتی که مهاجم را حتی اگر در عادت‌های کودک رخنه کرده و در ناخودآگاه او نفوذ کرده باشد بیرون بریزد و این بار تحمیلی را ببندارد. و این برگ‌های زرد را بگذارد تا در او دوباره جوانه‌ها و شکوفه‌ها سبز شوند و تفکری که بتواند لباس تازه‌ای برای او دست و پا کند و اندام عریان او را بپوشاند. این شخصیت و حریت و تفکر می‌تواند کودک را در محیط‌های باز مسلح کند و مهاجم‌های کهنه‌کار را در بن‌بست بگذارد. با شخصیت یافتن کودک این توقع که دیگران چه کرده‌اند با این محاکمه که من چه کرده‌ام جا عوض می‌کند...» مجال توضیح بیشتر نیست. فقط اگر خداوند رزق دل شما کرد و با دعایی که هر روز در ماه مبارک رمضان می‌توان خواند که در کتاب شریف مفاتیح الجنان آمده است انس بگیرید، یکی از درخواست‌های شما در آن دعاها این است: خدایا مرا به بلوغ آرزوها برسان! آیا می‌دانید بلوغ آرزوها یعنی چه؟

التماس دعا  
سردبیر



خوانده‌ام. ضابطیان در پاسخ یکی از خبرنگاران نوجوان به نوع سؤال‌ها در گفت‌وگوهایش بیان داشت: هیچ‌گاه در مصاحبه‌های تلویزیونی سؤال آماده ندارم، بلکه سرفصل‌ها را معین می‌کنم و مصاحبه را انجام می‌دهم. او ادامه داد: ۲۳ سال داشتم که با نوشتن مطلب در مجله سینما وارد این حرفه شدم. سؤال‌های ما بسیار اما وقت ضابطیان کم. برای همین خلاصه کردیم و چون برنامه «راديو هفت» این روزها به روی آنتن است، از او راجع به چگونگی ایده این برنامه پرسیدیم و او گفت: زمانی که دیدیم مردم عصبانی و فشار روحی بر آن‌ها زیاد است، خواستیم ساعت‌های پایانی خود را با چنین برنامه‌هایی به آرامش برسند. مصاحبه از مائده السادات طباطبایی، مهدیه شیخ، عاطفه خانی، معین مرتضوی، شقایق چیتی، محمد مهدی صدرالدین و سروش فدایی تهرانی

### توفان خبرنگاران نوجوان در «روییدن در باد»

در بعدازظهر روز چهارم از بیست‌وششمین جشنواره فیلم کودک، فیلم «روییدن در باد» ساخته رهبر قنبری در سینما فرشچیان که به اصحاب رسانه و مطبوعات اختصاص دارد، نمایش داده شد و بعد از آن نیز جلسه پرسش و پاسخ همراه با عوامل فیلم با ما خبرنگاران نوجوان و دیگر افرادی که به تماشای فیلم آمده بودند، برگزار شد.

در جلسه پرسش و پاسخ پس از یک معرفی کلی کارگردان و دیگر عواملی که در نشست حضور داشتند، به سؤال‌های ما پاسخ دادند.

پرسش خبرنگار نوجوان: آیا شما می‌خواستید با این فیلم بچه‌های عشایر را برتر از بچه‌های شهری نشان دهید؟ پاسخ: من قصد این کار را نداشتم زیرا همه شما را دوست دارم و منظورم این بوده که هر سال با از بین رفتن یک مدرسه عشایری ۱۰ هزار نفر از دانش‌آموزان از درس خواندن محروم می‌شوند.

پرسش: چرا در این فیلم تضاد فرهنگی وجود دارد و به طور مثال در ایلات و عشایر ال‌سی‌دی و ماهواره وجود دارد، اما تحصیل آن‌ها هنوز به همان شیوه قدیمی انجام می‌شود؟

پاسخ: ایده من از ساخت این پروژه آن بود که نشان دهیم چرا با وجود این‌که برخی از خانواده‌های عشایری ال‌سی‌دی و ماهواره دارند که به فرهنگ شهری نزدیک‌تر است، اما نباید فرهنگ و امکانات تحصیلی این اقشار به شهرها نزدیک شود و بدون توسعه و پیشرفت باقی بماند. متأسفانه مدارس خوب در عشایر به دلیل بعضی از بی‌توجهی‌ها در حال نابودی است که در نتیجه آن نوجوانان و جوانان بی‌سواد به شهر مهاجرت می‌کنند و در آینده به ابزار ناشایست تبدیل می‌شوند که من امیدوارم با ساخت این فیلم توجه بیشتری به این کودکان و نوجوانان شود.

فاطمه معتمدی، کیمیا صادقی، فاطمه فرهنگ، فائزه آقاجان، سپیده نجفی، ستاره نجفی، پگاه دهقان پور

می‌پرسیدیم. آن‌ها از نحوه انتخابشان برای داوری گفتند؛ این‌که توسط مسئولان مربوطه آگاه شده و با شرکت در آزمونی برای داوری انتخاب شده یا مانند نیکولاس والروام در سال‌های ۲۰۰۹ و ۲۰۱۲ داور جشنواره‌های فیلم آلمان بوده و به همین دلیل برای جشنواره فیلم کودک در اصفهان به ایران فرستاده شده است.

در ادامه این گردش داوران از فیلم‌های جشنواره کودک گفتند و این‌که برایشان قابل‌تصور نیست که فیلم‌های ایرانی تا این حد پیشرفت داشته. در حالی که فیلم‌های خارجی تغییر چندانی نداشته. جالب بود آریترو داوری دیگر، بر خلاف بقیه فیلم‌های ایرانی را نوعی کپی از یکدیگر دانست.

بیشتر این داوران برای دفعه نخست به اصفهان آمده بودند و به اتفاق این شهر را بسیار زیبا و دوست‌داشتنی دیدند و از خشکی زاینده‌رود ناراحت شدند، به گونه‌ای که آن را عامل از چهره افتادن زیبایی‌های این شهر می‌دانستند.

یکی از آن‌ها در پاسخ به سؤال خبرنگاران نوجوان که چرا با وجود نمادهای بسیار، پروانه برای جشنواره کودک انتخاب شده است، تصریح کرد: پروانه نمادی از آزادی و استقلال است، در عین این‌که همه را به یاد دوران کودکی می‌اندازد. این کودکان هم‌سن و سالمان با وجودی که زبان مشترکی با ما نداشتند، اما با زبان آموزنده فیلم نکات خوبی را در مورد فیلم‌ها می‌گفتند. مانند این‌که فیلم کودک باید در عین قابل فهم و متناسب با سن کودکان پیام‌آوری و برخورداری از موضوعات کودک را شامل شود.

در پایان این گردش ۲۶ خبرنگار نوجوان با داوران کودک بخش بین‌الملل همگی در ورودی مسجد شیخ لطف‌الله با یکدیگر عکس یادگاری گرفتیم.

گزارش از خبرنگاران نوجوان: محمد منزه، مائده السادات طباطبایی، هدیه انوری‌زاده، فاطمه معتمدی، مهدیه شیخ، محمد امین شفیعی، امیدرضا ساکت، فاطمه فرهنگ، علی رنجکش، معین مرتضوی، شبنم زارعی، علیرضا جعفری، بهنوش جانقریان، سروش فدایی تهرانی، علی فتاحی، آوا زردخشو، محمد مهدی صدرالدین، شقایق چیتی، ستاره نجفی، کیمیا صادقی، فائزه آقاجان، فاطمه کفعمی، سپیده نجفی، رضا کریمی، پگاه دهقان پور و عاطفه خانی

### منصور ضابطیان در کنار خبرنگاران نوجوان پیر شد

یکی دیگر از افرادی که در بیست‌وششمین جشنواره فیلم کودک به میان خبرنگاران نوجوان آمد و با آن‌ها به مصاحبه نشست، منصور ضابطیان، مجری برنامه‌های تلویزیون بود.

ابتدا ضابطیان با بیان این‌که در میان شما خبرنگاران نوجوان، احساس پیری می‌کنم، گفت: روزنامه‌نگاری و خبرنگاری کار دشوار و در عین حال شیرینی است که خواهشا اگر به این حرفه علاقه دارید، آن را دنبال کنید.

در مصاحبه شما خبرنگاران باید به صحبت‌های مصاحبه‌شونده گوش کنید تا بتوانید بهترین سؤال‌ها را بپرسید.

مجری برنامه «راديو هفت» اضافه کرد: شیرین‌ترین کار خبری زمانی است که کسی در جایی متنی از شما را خوانده باشد و پس از چند سال بگوید که فلان مطلب شما را من

### تفکیک سینمای کودک و نوجوان؛ آری یا نه؟



دومین نشست تخصصی بیست‌وششمین جشنواره فیلم کودک و نوجوان با عنوان «سینمای کودک، سینمای نوجوان، اشتراک‌ها و تفاوت‌ها» در آخرین شب جشنواره، و پیش از اختتامیه برگزار شد. علی‌علایی مجری کارشناس برنامه در ابتدای جلسه با معرفی کتاب راهنمای فیلم‌شناسی کودک و نوجوان با رویکرد بهره‌گیری از سینما در تربیت فرزندان نوشته محمدرضا رهبری را رونمایی کرد. سپس سخنانی در باب مباحث کتاب مرتبط به پژوهش در زمینه آثار سینمایی برای تربیت فرزندان بیان شد. مجری جلسه با اشاره به مجله‌هایی که در گذشته به کوشش فارابی در این زمینه منتشر شده بود، از نصرت‌الله تابش مدیر انتشارات فارابی خواست تا توضیحی در زمینه انتشار چنین کتاب‌هایی ارائه دهد.

تابش با تأیید سخنان علی‌علایی نسبت به انتشار چند کتاب در مورد سینمای کودک، سینمای نوجوان بیان کرد: «در صورت‌بندی سینمای کودک و نوجوان قواعد مشخصی وجود دارند که باید در نظر گرفته شود. از جمله استفاده از قاب تصاویر ساده که امکان قابل فهم بودن را برای مخاطبان ایجاد می‌کند. این قواعد ثابت است که به این ژانر معنی می‌بخشد. همین تعاریف قالبی باعث می‌شود که ژانری خلق شود آن‌گاه مورد تفکیک قرار بگیرد.»

در این نشست سیروس حسن‌پور، کیومرث پوراحمد، شفیق آقامحمدیان، نادره ترکمانی به عنوان مهمان حضور داشتند. علی‌علایی پس از پایان رونمایی از کتاب، در سرآغاز بحث چنین گفت: «در تعاریف سینمای کودک و نوجوان، موضوع غیرقابل باور فیلم‌های سینمایی است که حالا با عنوان کودک‌اند. این سینما بیشتر فیلم‌هایی برای کودک یا فیلم‌هایی با موضوعات دیگر که تنها به واسطه حضور چند کودک و نوجوان در آن برچسب سینمای کودک و نوجوان می‌گیرند، تولید می‌کند.»

کیومرث پوراحمد در ادامه بیان کرد: «در شرایطی که سینمای ایران با مشکلات بزرگ‌تری مواجه است، طرح چنین سؤالی اندکی زود به نظر می‌رسد. این تفاوت معنایی که قرار است در قالب این جلسه شناخته شود، نه تنها در چنین شرایطی نباید طرح شود، بلکه حتی از نظر من فیلم کودک و نوجوان، فیلمی است که بتواند همه مخاطبان را دربرگیرد؛ پس نیازی به تفکیک نیست.»

سیروس حسن‌پور نیز بیان کرد: «در تعاریفی که برای هر نوع ژانر به خصوص سینمای کودک است، همیشه نگاهی به فیلم‌سازی در دهه ۶۰ و ۷۰ بوده است. در حالی که بسیاری از همان فیلم‌سازان در این دوران نیز حضور دارند و می‌توانند به خلق آثار بزرگ و ماندگاری دست بزنند.» شفیق آقامحمدیان نیز گفت: «نمی‌توان به راحتی میان دو واژه کودک و نوجوان فاصله انداخت. چراکه این دو گروه سنی از ابتدا در کنار هم قرار داشتند و در کنار هم معنی می‌یابند.»

نادره ترکمانی نیز در ادامه مباحث اظهار داشت: «کار در زمینه کودکان و نوجوانان با مشکلات بسیاری روبه‌روست، پس عملاً ایجاد تفاوت را غیرممکن می‌کند.»

### گردش خبرنگاران نوجوان با داوران کودک بخش بین‌الملل

گزارش خبرنگاران نوجوان: در چهارمین روز بیست‌وششمین جشنواره بین‌المللی فیلم کودک و نوجوان برای خبرنگاران نوجوان با اتفاقات خوبی همراه بود، یکی از آن‌ها مصاحبه با داوران کودک بین‌الملل در میدان نقش جهان بود.

ما خبرنگاران نوجوان همراه با این داوران کودک در بازار گردش کرده و هم‌قدم با آن‌ها سؤال‌ها را از آن‌ها

## نظریه پروانه‌ای



سعید قطبی‌زاده (مجری کارشناس)، علی عبدالعلی‌زاده (کارگردان)، عباس محبوب (بازیگر)، احسان فانیان (مدیر جلوه‌های ویژه)

**سعید قطبی‌زاده:** با این که من تا حالا کارهای عبدالعلی‌زاده را دوست نداشتم، اما این کار به دلم نشست و از آن بدم نیامد. فانتزی و تخیلی بودنش خوب بود. به هر حال در فیلم‌های کودک باید درون‌مایه تخیل و فانتزی وجود داشته باشد.

**عبدالعلی‌زاده:** ایده اصلی این کار را از نظریه‌ای به اسم نظریه پروانه‌ای گرفتم؛ ایده‌ای که نشان می‌دهد ممکن است با بال زدن یک پروانه در آفریقا در آمریکا توفانی ایجاد شود. در واقع خواستم نشان بدهم که چیزهای کوچکی مثل بال زدن پروانه می‌تواند تأثیر بزرگی در زندگی هر کسی بگذارد و مسیر زندگی‌اش را تغییر دهد. متأسفانه اتفاق‌هایی که رخ داده باعث شده با وجود فیلم‌برداری در سال ۸۹ ما حتی تا همین دو هفته پیش درگیر کارهای صدا، آهنگ‌سازی و اصلاح رنگ باشیم. این فیلم هم اصلاح رنگ نشده است. موسیقی کار حتی خود من را هم اذیت می‌کند. اما با همه این کاستی‌ها دوست داشتم که در این جشنواره آن را شرکت بدهم تا بیش از این دور از اکران نماند. به شخصه از ساختن کارهای تخیلی و فانتزی برای کودکان لذت می‌برم.

**عباس محبوب:** بازیگری که می‌خواهد کار کودک انجام دهد، باید حس‌وحال کودکی خودش را به خوبی به یاد داشته باشد. مهم این است که نقش را خوب شناخته باشد. بازیگر باید بداند که دارد برای کودکی بازی می‌کند که علاوه بر سرزندگی و شادابی، دقت زیادی هم دارد.

**احسان فانیان:** ما به خاطر کمبود امکانات مجبور هستیم با بودجه‌های کم تلاش کنیم هرکاری در حیطه جلوه‌های ویژه ازمان برمی‌آید، انجام دهیم. فیلمی را هم که دیدید، در حد بضاعت‌مان انجام دادیم. هرچند توانایی‌مان بیش از این‌هاست. به هر حال از این که برای اولین بار با آقای عبدالعلی‌زاده کار کردم خیلی خوشحال هستم.



## I ENJOY MAKING SCI-FI & FANTASY MOVIES

Director of "Back to the Future", Ali Abdolmaleki in the press conference of the movie in the 26th International Festival of Films for Children and Young Adults said: "The idea of the movie comes from the Butterfly Effect; it says flying of a butterfly in Africa may result in a flood in America. I wanted to show that even a little thing like flying of a butterfly can have a great effect on someone's life and change his life forever. I know the movie have some weakness regarding technical aspects, but we did not have enough time for working on the color or the music. But I decided to screen the movie in the festival, so it will have a chance to be seen. Personally, I enjoy making Sci-Fi and Fantasy movies."

## رابطه انسان و طبیعت



احسان هوشیارگر (مجری کارشناس)  
مهمانان: سیروس حسن‌پور (کارگردان)، علی اوسیوند (بازیگر)، آرش حسن‌پور (دستیار کارگردان)، بابک نبی‌زاده (برنامه‌ریز)

**علی اوسیوند:** یک خسته نباشید به همه گروه می‌گویم به خاطر فیلمی با چنین مناظر زیبا که به درستی در خدمت سوژه و قصه بودند. هم‌چنین به خاطر تحمل آقای حسن‌پور که با شرایط گرمای جزیره قشم کنار آمدند و بازتاب همه این‌ها را هم در فیلم می‌بینیم. فیلم سختی بود و من واقعا در ابتدای کار هراس این را داشتم که چطور چنین فیلمی را که قسمت‌های مهمی از آن در آب می‌گذرد، می‌توانیم کار کنیم که به مرور عادت کردم و با طبیعت فیلم خو گرفتم.

**آرش حسن‌پور:** من هم می‌خواهم به همه گروه خسته نباشید عرض کنم. در واقع من چند سالی است که در این زمینه فعالیت می‌کنم و این اولین فیلمی است که به این شکل با پدرم همکاری کردم.

**بابک نبی‌زاده:** واقعیت این است که هر بار این فیلم را می‌بینم، اشک در چشمانم حلقه می‌زند. البته من قبلا هم در خدمت آقای حسن‌پور بودم و در این فیلم هم از اواخر پیش‌تولید به گروه اضافه شدم. به هر صورت چنین فیلم‌هایی ساخته نمی‌شوند مگر با دلگرمی و هماهنگی‌های لازمی که انجام می‌شوند. و همه این‌ها با شخصیت هنرمند و پاکی آقای حسن‌پور دارند، امکان‌پذیر شد.

**سیروس حسن‌پور:** این فیلم را با تلاش‌هایی که کردم، بعد از پنج سال توانستم بسازم. در حقیقت همه در این فیلم از جان و دلشان مایه گذاشتند و بدون حضور این افراد قطعاً نمی‌توانستم آن را بسازم. درباره فیلم‌برداری این فیلم نیز باید بگویم به هر حال آقای نیک‌ذات سابقه خیلی خوبی دارند و در این کار هم با توجه به این که من قبلاً مستندی درباره صید مروارید دیده بودم، می‌خواستم هر طور که شده از فیلم‌برداری زیر آب استفاده کنم تا حس واقعی صحنه‌ها به بیننده منتقل شود. در مجموع طی تجربه‌هایی که در گذشته درباره رابطه انسان و طبیعت داشتم دوست، داشتم این فیلم را بسازم و امیدوارم نتیجه مورد قبول همه قرار گرفته باشد.



## RELATIONSHIP BETWEEN HUMAN & NATURE

Director of "Pearl", Sirus Hasanpur in the press conference of the movie in the 26th International Festival of Films for Children and Young Adults said: "I made this movie after five years of hard working. In fact everyone involved in this movie worked so hard and did his/her best, I couldn't be able to make this movie without their help." Mentioning the importance of underwater scenes he said "I think the most important thing in this movie is its photography by Nikzat, I had seen his work on a documentary about Pearl. I wanted to film some scenes under water at any rate, and he helped me filming those scenes. I had made movies about relationship between human and nature and I am happy I did it again in "Pearl". "

## نشست فیلم «قبیله من»

### زندگینامه آقای کارگردان



علی‌علایی (مجری کارشناس)، رهبر قنبری (کارگردان)، آیدا نامجو (بازیگر)، محمدرضا سهرابی (بازیگر)، زهره مولوی (بازیگر)

**علی‌علایی:** در ابتدا احساس نمی‌کردم فیلمی باشد که من را جذب کند، اما رفته‌رفته متوجه شدم که فیلم را دوست دارم. این فیلم در واقع ادای دینی بود به شهر اصفهان، به موسیقی و به عشق‌های قدیمی. مشکل اصلی من با یک سوم ابتدایی فیلم بود، چون دیر تماشاگر را درگیر می‌کرد و می‌خواست بار عاطفی را پیش ببرد، اما دچار مشکل می‌شد. از آن جایی که آقای آزادی عکس را خیلی دوست دارند، حتی قاب‌ها تا حدی بیش از اندازه بوی عکس می‌داد، اما خوب جاهایی هم بود که می‌شد از این قاب‌بندی‌ها گذشت. در نهایت چیزی که خیلی من را خوشحال کرد، این بود که **قبیله من** از همه شلختگی‌هایی که اخیراً در فیلم‌ها شاهدش هستیم، فارغ بود و فیلم بسیار تمیز و شسته رفته‌ای بود.

**غلامرضا آزادی:** ساختن این فیلم در واقع یک اتوبیوگرافی از خودم است. من در حدود ۵۰ فیلم مدیر فیلم‌برداری بودم، اما مدتی است که خسته شدم و کار نمی‌کردم. اما دست به ساخت این فیلم زدم تا عاطفه‌های قدیم را به رخ بچه‌های امروز بکشم. اصفهان شهر من است و من این‌جا را دوست دارم. خوانستم در این فیلم طوری اصفهان را نشان بدهم که خودم دوست دارم. وقتی دیدم که بخش‌هایی که من کودکی‌ام را آن‌جا گذراندم، به چیزی تبدیل شده که شبیه کودکی‌ام است، تصمیم گرفتم فیلم را بسازم. در ۲۷ روز به علت کمبود بودجه کار تمام شد و سختی‌های زیادی کشیدیم. اما در نهایت چیزی شد که می‌خواستیم. بازیگرانی هم که در این کار حاضر شدند، چهره نبودند و اکثراً برای اولین بار بود که مقابل دوربین سینمایی حاضر می‌شدند و خیلی هم خوب از پس کار برآمدند.

**آیدا نامجو:** همه سعی خودم را کردم که بین دو نقشی که بر عهده داشتم، تفاوت بگذارم. زهره مادر دختری احساساتی بود. زهره دختر در زمان حال به خاطر داغی که دیده بود، جدی‌تر و خشک بود. اگر در نقش ضعیفی می‌بینید، اشکال از من است و امیدوارم من را ببخشید.



## THIS FILM WAS MY OWN AUTOBIOGRAPHY

Director of "My Clan", Gholamreza Azadi, said, "To be honest this film was my own autobiography." "I was the director of photography in fifty films but I was bored about and had quitted it for a while, so made this film to show old time emotions to the new generation" he added. Azadi pointed, "Isfahan is my mother land and I love it. I wanted to show it in a way that I feel about it. When I saw those parts of the city in which I spent my childhood in, I decided to make this film. We made the film in twenty seven days because of limited budget and it was too hard for us. But at the end we made what we want. The actors who played in this movie weren't famous stars and it was the first time for most of them to play in front of camera. But they did their best and they made it".

## نشست فیلم «رویدن در باد»

### فیلمی که برای کودکان نیست



علی معلم (مجری کارشناس)، رهبر قنبری (کارگردان)، حسن امجدی مقدم (تهیه‌کننده)، بابک نبی‌زاده (دستیار کارگردان)، حسین عابدینی (بازیگر)، ژیل شاهی (بازیگر)، ذبیح افشار (بازیگر)

**علی معلم:** ما در این‌جا جریان صنعتی برای فیلم‌سازی نداریم. بلکه یا فیلم‌هایی داریم که تشریفاتی یا به عبارتی فستیوالی هستند یا فیلم‌هایی که در سطح پایین‌تری قرار دارند. حالا نه صرفاً خوب یا بد، بلکه حال‌وهوای متفاوتی دارند. به همین جهت فیلم‌سازی به معنی واقعی کلمه صورت نمی‌گیرد و سازمان‌هایی مثل بنیاد فارابی تلاش می‌کنند چراغ سینمای کودک را هم چنان روشن کنند، حتی با فرستادن فیلم‌هایی که اصلاً برای کودک نیست و فقط یک پرسوناژ کودک دارد. این فیلم هم برای بچه‌ها نیست، حتی در جشنواره فجر و مسکو هم نمایش داده شده است. اما خوب در یک جشنواره بالاخره باید ۱۳ فیلم حاضر باشد و به این دلیل فیلم‌هایی از این دست به جشنواره کودک می‌آیند.

**رهبر قنبری:** همه ایده من از ساخت این فیلم این بود که نباید اجازه دهیم بچه‌های عشایر به واسطه آن‌که بهترین مدرسه‌هایشان در حال از بین رفتن است، ترک تحصیل کنند و وارد شهر شوند. چون همین وارد شهر شدنشان باعث آسیب‌های زیادی می‌شود.

**حسین عابدینی:** از فیلم **باران** آقای مجیدی با آقای قنبری آشنا شدم. بعد از آن فیلم ایشان سمت من آمدند و به من تبریک گفتند. بعد که برای این فیلم از من دعوت به عمل آوردند، من برای این کار به اردبیل رفتم تا تحقیق کنم. حتی رقص با چوب را بلد نبودم، آن‌جا یاد گرفتم. اما وقتی مقابل دوربین قرار می‌گیرم، حس بیشتری می‌گیرم و به نقش نزدیک می‌شوم.

**ذبیح افشار:** من با منطقه‌ای که فیلم در آن کار شد، آشنایی داشتم و چون مدت‌ها قبل روی عشایر تحقیق کرده بودم، راحت توانستم فضای فیلم را درک کنم و آشنایی با منطقه هم کار را برایم ساده‌تر کرده بود. اصلاً حضور در آن‌جا سخت نبود.



## DISASTROUS EFFECT OF VIDEO GAMES

Director of "Growing in the Wind" Rahbar Ghanbari, in a press conference said, "For making this film, I had just one motivation. I wanted to say we should stop destroying nomads' schools because it leads to their migration to cities. And as we all know this migration would have serious consequences."

Hossein Abedini the actor of "Growing in the Wind" said, "I knew Ghanbari for a long time. When he asked me to play in his film I accepted presently. I went to Ardabil and learned some of the traditional games to play in the film."

## نشست فیلم «دامنه‌های سفید»

### از جنوب تا شمال



کامران ملکی: (مجری کارشناس)

مهمانان: محمدابراهیم معیری (کارگردان)، بهروز رشاد (تهیه‌کننده)، علیرضا اوسینوند (بازیگر)، الهام چرخنده (بازیگر)، فرشاد نوابی (بازیگر)

**محمدابراهیم معیری:** با توجه به این که من علاقه زیادی به محیط زیست و منابع طبیعی دارم و دوست دارم آن‌ها را وارد سینما کنم، سعی کردم فیلمی که می‌سازم، در عین برخورداری از این مسئله داستان پرماجرایی هم داشته باشد. و نوجوانان و خانواده‌ها با آن ارتباط برقرار کنند.

**بهروز رشاد:** خب دوستانی که در بنیاد فارابی کمک کردند، باعث شدند این فیلم را که پیش از آن فیلمنامه‌اش برنده جایزه فیلمنامه‌نویسی شده بود، بسازیم. مشکلات خاص خودش را داشت، ولی تجربه لذت‌بخشی بود و با حساسیت‌هایی که آقای معیری داشتند، امیدوارم کار مورد قبولی شده باشد.

**علیرضا اوسینوند:** من هم می‌خواهم به نوبه خودم از آقای میرعلایی تشکر کنم که با برگزاری چنین جشنواره‌هایی به رشد هنر این مملکت کمک می‌کنند. این دومین کار من با آقای معیری محسوب می‌شود.

**محمدابراهیم معیری:** در این فیلم جغرافیا برایم اهمیت بسیاری داشت و به نظرم ما در هر محیطی از شرایط آن محیط تأثیر می‌گیریم. می‌خواستیم فیلم فضایی کاملاً رئالیستی داشته باشد و بچه‌ها هم تحت تأثیر شرایط محیط خودشان باشند. درباره فیلمنامه هم باید اشاره کنم این فیلمنامه را پیشتر با نام «بعد از ظهر داغ تابستان» در اختیار داشتیم که با تغییرات و استفاده از بخش‌هایی از آن به شکل کنونی رسیدیم. به عقیده من در این فیلم باید به دنبال پیام‌های آن و حرف‌هایی که می‌خواستیم برای خانواده‌ها بزنیم باشیم. درباره مردم و ویژگی‌هایی که از آن‌ها صحبت کردیم، ولی به غیر از این در این فیلم بیش از هر چیز ما از دماوند و عظمت آن انرژی گرفتیم.

**الهام چرخنده:** البته در این فیلم با فیلمنامه‌ای به شکل مرسوم روبه‌رو نبودم و فقط نقطه ابتدا و پایان هر قسمت برایمان مشخص می‌شد که من این سبک را نیز می‌پسندم و این که باید بگویم شخصاً برای نقشی که ایفا می‌کنم، اهمیت بسیاری قائلم و سعی می‌کنم برای نزدیکی به آن هر کاری که لازم است بکنم.



## I BROUGHT MOTHER NATURE IN MY FILM

Director of "The White Range", Mohammad Ebrahim Moayeri, in a press conference said, "I love environment, Mother Nature and natural resources so I tried to use these elements in my film, and in cinema. I did my best to have these elements in my film while I tried to tell an interesting story, a story which both young adults and families enjoy it."

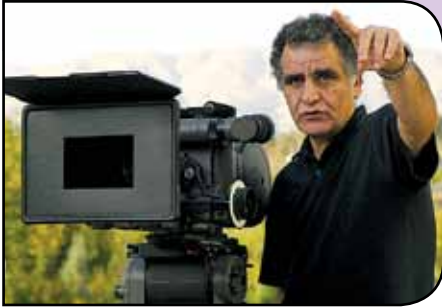
Behrouz Rashad, the producer, said, our friends in Farabi Organization helped us to make this film which its screenplay was awarded before. It was a difficult job but it was a nice experience, we hope we made an expectable film.

Ali Ousivand the actor of the film said, "I want to say thank you to Mr. Miralayi for holding this festival because it helps for improvement of Iranian art. It was my second film with Mr. Moayri but this film was a different one regarding its different situation."

## با رسول صدراعظمی به بهانه دآوری در دوره‌های مختلف جشنواره کودک

سید آریا قریشی

# سود رونق جشنواره کودک به گل سینمای ایران می‌رسد



### بین سینمای کودک و سینمای نوجوان باید تمایز قائل شد

در همه جای دنیا، سینمای کودک و نوجوان شرایط و ویژگی‌های

ساختاری و مضمونی مخصوص خود را دارد. چون به موضوعات ویژه‌ای می‌پردازد. به نظر من حتی بین سینمای کودک و سینمای نوجوان هم باید تمایز قائل شد. چون موضوعاتی که در سینمای کودک بیشتر روی آن‌ها کار می‌شود، موضوعات شاد و مفرحی است که در دل خودش می‌تواند آموزش‌های خاص خود را به همراه داشته باشد. در حالی که سینمای نوجوان سینمایی است که می‌شود بیشتر روی آن تأمل کرد. با توجه به این که به نظر می‌رسد شخصیت و کاراکتر هر فرد در همین سال‌های نوجوانی شکل می‌گیرد، بنابراین سینمای نوجوان سینمایی مبتنی بر تحقیق و نیازمند شناخت دقیق نوجوانان است.

به همین دلیل زمانی که دو عنوان «کودک» و «نوجوان» در یک جشنواره کنار هم قرار می‌گیرند، باید به گونه متفاوتی با هر کدام برخورد کرد. هر چند جشنواره فیلم کودک و نوجوان بیشتر نام نوجوان را یدک می‌کشد و نگاه غالبی که به این جشنواره وجود دارد، جشنواره فیلم «کودک» است و نه «کودک و نوجوان». به نظر می‌رسد سینمای نوجوان در این جشنواره کمی مهجور واقع شده است.

### مهجور ماندن سینمای نوجوان در ایران

در دوره‌ای، کارگردانان سینمای ایران به مسائل نوجوانان توجه بیشتری نشان می‌دادند. من در فیلم‌های دختری با کفش‌های کتان، من ترانه ۱۵ سال دارم و دیشب بابانو دیدم آپدا به مسائل نوجوانان پرداختیم. هم‌چنین کارگردانان دیگری هم به این مسائل توجه نشان دادند. مثلاً چند تاز فیلم‌های مجید مجیدی، یا یکی دو تا فیلم از ابوالحسن داوودی به مسائل نوجوانان می‌پرداختند. اما به نظر می‌رسد امروزه در سینمای ایران مسائل نوجوانان کمتر مورد بررسی قرار می‌گیرند.

### دغدغه‌ها جای خود را به بی‌تفاوتی داده‌اند

وقتی ما از سینمای کودک و نوجوان نام می‌بریم، تمام مسئولان مربوطه تعریفی کودکانه از این نوع سینما و از جشنواره دارند. در حالی که باید بدانیم عنوان این سینما، «کودک و نوجوان» است. تغییر و تحول در کلیت مسائل فرهنگی ما و گران شدن تولید فیلم هم در افت سینمای کودک مؤثرند. به خصوص این که در دورانی که نوجوانان در معرض هجوم بازی‌های دیجیتال و جلوه‌های ویژه هستند، باید فیلم‌هایی ساخته شوند که از این رسانه‌ها و بازی‌ها جذاب‌تر باشند. فیلم‌هایی که دغدغه‌های نو و جسورانه داشته باشند. وقتی این دغدغه جای خود را به بی‌تفاوتی بدهد، آن وقت حضور یک فیلم خوب هم به یک اتفاق تبدیل می‌شود و نه یک جریان.

### جایگاه و نقش جشنواره کودک و نوجوان در ارتقا و رشد کیفی سینمای کودک و نوجوان

جشنواره کودک و نوجوان از همان سال‌های آغاز کار خود، به شدت در همه جای دنیا تأثیر گذاشت و خیلی از تولیدکنندگان آثار برتر کودک و نوجوان در سطح جهان، تمایل داشتند تا در این جشنواره شرکت کنند. جای تأسف است که این روزها سینمای کودک و نوجوان ما آن شکوفایی سال‌های گذشته را ندارد. با یک مدیریت هوشمندانه، شرایط باید به شکلی تغییر کند تا نوجوانان هر سال منتظر این جشنواره باشند. نه فقط در اصفهان بلکه در سراسر کشور. سود این اتفاق نه فقط به سینمای کودک، که به کل سینمای ایران می‌رسد. در طول این سال‌ها، هر وقت فیلمی در سینمای کودک و نوجوان داشته‌ایم که به موفقیت رسیده، برای همه سینمای ایران رونق به همراه داشته است. نکته تأسف‌بار این است که ما بعد از سیزده چهارده سال، هنوز وقتی قرار است یک فیلم کودک موفق داشته باشیم، باید به عقب نگاه کنیم. یعنی با یادآوری خاطرات جوان امروزی است که می‌توانیم به سینمای کودک ایران رونق ببخشیم. در حالی که زمانی عروسک‌ها و کاراکترهای کودکانه بیشتر و سینمای اثرگذارتری داشتیم. فیلم‌هایی که به برخی از سؤال‌های نوجوانان پاسخ می‌دادند یا برای آن‌ها سؤال ایجاد می‌کردند.

تأثیری که سینمای کودک می‌تواند بگذارد، یک تأثیر همه‌جانبه است. به شرطی که به سینمای کودک و نوجوان به عنوان سینمایی برای مخاطب خاص نگاه نکنیم. در چنین شرایطی، همین که تلاش می‌شود جشنواره فیلم کودک و نوجوان به هر شکلی که شده پایدار مانده و برگزار شود، امیدوار کننده است و باید از تلاشی که در راه برگزاری این جشنواره انجام شده، تشکر کرد. چون برگزار شدن جشنواره کودک و نوجوان به این معنی است که سینمای کودک و نوجوان هر سال حداقل در یک دوره در رسانه‌ها مطرح شده و مورد توجه، نقد و بررسی قرار می‌گیرد. امیدوارم جشنواره امسال هم به خوبی برگزار شود، چون سودش به کل سینمای ایران خواهد رسید.





## گزارشی از دوبله همزمان فیلم‌ها در سالن فرشچیان

# ۳ نفر به جای ۲۰ نفر...

### حسین ارومیه‌چی‌ها

نشریه روزانه - دقایقی تا شروع فیلم روسی **عروسک بازی** مانده. یک گروه سه نفره در انتهای سالن در حال آماده شدن برای دوبله همزمان فیلم هستند. چیزی که به چشم می‌خورد، یک میز ساده، چند چراغ مطالعه، یک لپ‌تاپ و یک میکسر معمولی است. البته لیوان‌های چای و قهوه هم روی میز نقش مهمی را دارند! فیلم که شروع می‌شود، همه چیز عادی است. انگار که قرار است فیلم دوبله‌ای را در سینما ببینیم. همه چیز خیلی طبیعی پیش می‌رود. گه‌گداری صدای اصلی فیلم به گوش می‌خورد، ولی با انرژی و شوروی که گویندگان در حال نقش‌گویی هستند، اصلاً احساس نمی‌شود فیلم با دو صدا در حال پخش است. کمی که می‌گذرد و شخصیت‌ها در برخی صحنه‌ها زیاد می‌شوند، بار دیگر به گروه سه نفره نگاه می‌کنم که با همان تعداد در حال دوبله فیلم هستند. هیجان شخصیت‌ها، خنده‌ها و احساسات مختلفشان آن قدر تأثیرگذار هست که دانما کودکان حاضر در سالن توجهشان به سمت گروه جلب می‌شود و هیجان زده می‌شوند. درست مثل وقتی که در حال تماشای فیلمی سینمایی با دوبله فارسی از سینما هستیم! سه نفر دوبلور با تجربه جای بیش از ۲۰ شخصیت فیلم صحبت می‌کنند و جایی آن گوشه سالن به تنهایی شگفتی می‌آفرینند.

با پایان فیلم به بهانه این تجربه جالب و منحصر به فرد به سراغ سه گوینده نام‌آشنای عرصه دوبلاژ می‌روم تا گپ و گفتی در این زمینه داشته باشیم. رضا آفتابی که از دوبلورهای جوان و با استعداد این عرصه است، درباره روند کار می‌گوید این پنجمین سال است که به این جشنواره می‌آیم و از این مدت سه سال را در همدان و دو سال را در اصفهان بودم. به نظرم تجربه بسیار خوب و ویژه‌ای است. به علاوه که در هر فیلم شرایط ویژه‌ای برقرار است و تو باید خودت را در همان مسیر قرار دهی. هم‌چنین تمرکز و اعتماد به نفس بالایی هم می‌خواهد. چراکه اصلاً قابل مقایسه با دوبله‌های استودیویی نیست. در این‌جا نه جای اشتباه است نه جای هیچ گونه خطای فردی. او که وظیفه سینک کردن صداها را هم بر عهده دارد، درباره ضرورت این کار در سینماها معتقد است اگرچه چنین تجربه‌هایی بیشتر در کشورهای بلوک شرق و حتی گاهی با یک گوینده سابقه دارد، ولی در مجموع این امر برای کودکان که مخاطبان اصلی این جشنواره هستند، اهمیت زیادی دارد. چراکه درک فیلم‌ها از طریق زیرنویس مشکل است و به این طریق تأثیر بیشتری از فیلم می‌گیرند.

شهرزاد ثابتی نیز که سابقه‌ای ۱۳ ساله در زمینه دوبله دارد و سابقه مدیریت دوبلاژی هم دارد، درباره این تجربه با اشاره به این که کار بسیار مشکلی است و به دلیل وجود شخصیت‌های مختلف دائماً باید این تغییر صدا صورت بگیرد و با وجود فشردگی و کوتاهی بعضی از جمله‌ها این انعطاف باید خیلی سریع صورت بگیرد، اعتقاد دارد این کار بسیار هیجان‌انگیز است و کمک زیادی به گوینده می‌کند تا مهارت بیشتری پیدا کند. او در ادامه می‌گوید: با وجود فشار زیادی که این کار دارد، ولی شخصاً از این دوره جشنواره بسیار راضی هستم و خوشحال هستم که با این گروه کار کردم.

نسیم رضاخانی دیگر گوینده این گروه که ۲۰ سال در زمینه دوبله فعالیت دارد و در جشنواره فیلم کودک هم سه سال است که کار دوبله هم‌زمان فیلم‌ها را انجام می‌دهد، دوبله هم‌زمان را کار بسیار جالبی می‌داند که به هیچ عنوان با تجربه‌های سازمانی قابل مقایسه نیست. و می‌گوید: در این‌جا با مخاطبان به طور مستقیم در تماس هستیم و واکنش‌های آن‌ها را بی‌واسطه دریافت می‌کنیم. حتی با وجود سروصدای زیاد تماشاگران هم باز واکنش‌ها بسیار خوب است. خود من با وجود گرفتاری‌هایی که ممکن است داشته باشم، ولی به هر شکلی که شده سعی می‌کنم این ۱۰ روز را در جشنواره شرکت کنم.

آفتابی در ادامه درباره انتخاب گروه‌ها و گوینده‌ها می‌گوید: پس از آن که فیلم‌ها از طرف فارابی انتخاب می‌شوند، در اختیار سرپرست‌های گروه قرار می‌گیرد و پس از سینک در اختیار گوینده‌ها قرار می‌گیرد. برای مثال ما از سه روز پیش از جشنواره در محل برگزاری آن حضور داشتیم تا تمرین‌های لازم را انجام دهیم. با توجه به امکانات موجود و فضایی که می‌شود در آن کار کرد، حضور بیش از چهار گوینده در سالن ممکن

نیست و سال گذشته هم گروه‌ها به صورت چهارنفره از خانم‌ها و آقایان به جشنواره آمدند. ولی امسال تصمیم بر این شد که همان گروه سه نفره کار دوبله هم‌زمان را بر عهده داشته باشند. نکته دیگر این که تعداد کم در این کار یک حسن دارد و آن این که امکان هماهنگی‌ها برای گویندگی شخصیت‌های مختلف و تطبیق دادن موقعیت‌ها و شرایط بسیار راحت‌تر صورت می‌گیرد. باید توجه شود که هر کدام از ما دغدغه‌ها و مشکلات خاص خود را داریم و ممکن است به چیزهای مختلفی فکر کنیم. سعی ما بر این است که کارمان را به نحو احسن انجام دهیم و هیچ چیز مانع این نشود تا تمرکزمان هنگام دوبله از بین برود.

ثابتی که در این فیلم جای چندین شخصیت مختلف با لحن‌های گوناگون صحبت کرده اشاره می‌کند: به طور مثال همین فیلمی که امروز کار کردیم، از سخت‌ترین فیلم‌های این دوره برای دوبله بود. اصلاً این کار و به خصوص کار دوبله به هیچ عنوان به لحاظ مالی قابل توجه نیست و این فقط عشق و علاقه است که باعث می‌شود در این حرفه بی‌وقفه کار کنیم و با وجود فشار و سختی زیاد خسته نشویم. ضمن این که به هر حال بعد از مدتی بر اساس مهارتی که گوینده پیدا می‌کند، باعث می‌شود نسبت به شرایط محیطی مختلف بی‌اعتنا باشد. حسن‌زاده که صدای بیشتر کودکان این فیلم را بر عهده داشت، از شرایط خوب و گروه مناسب و فوق‌العاده‌ای که در این دوره داشته می‌گوید و این که چقدر گروه خوب باعث می‌شود لذت کار را بیشتر احساس کنی و کمتر متوجه سختی‌ها و مشکلات کار شوی.

در پایان همه گروه رضایت خود را از چنین تجربه‌هایی اعلام می‌کنند و علاقه دارند بار دیگر در این جشنواره کار کنند و دوبله فیلم‌های هم‌زمان را انجام دهند؛ با همه فشارها و با همه سختی‌های احتمالی‌اش.

امیر حسن ذات سر که به متین معروف است، از همان ابتدا کار صدای دوبله را بر عهده داشت و مدام در حال تنظیم کردن صدا برای گویندگان بود، چراکه هر سه دوبلور هم‌زمان صدای فیلم را در گوشی‌هایی که دارند، می‌شنوند. او از رشد کیفیت فیلم‌های این دوره می‌گوید و این که باید این جشنواره با شور و حرارت بیشتری برگزار شود. این جشنواره برای کودکان است و باید شادتر از این باشد.

گروه بعد از این فیلم باید در سینمای دیگری چند فیلم دیگر را به همین شکل دوبله هم‌زمان کنند که همه آن‌ها هم فیلم‌های سختی است. اما علاقه به این کار و دوبله اصلاً مانع از این نمی‌شود که انگیزه‌شان کم شود. آن‌ها عاشق کارشان هستند.



رو در رو



« با حجت سیفی درباره  
«بچه‌های جسور»



« با غلامرضا آزادی، درباره فیلم «قبیله من»

## لرزیدن در سرمای زمستان



احسان حسینی نسب

فیلمنامه‌نویس و کارگردان: غلامرضا آزادی

تهیه‌کننده: فریال بهزاد

فیلم‌بردار: پیام آزادی

بازیگران: غلامرضا آزادی، آیدا نامجو، میلاد سرجویی

خلاصه داستان: فیلم‌سازی با مسافرت به شهر زادگاهش تصمیم می‌گیرد فیلمی از

زندگی خود بسازد.

## مسئولان و فیلم‌سازان باید در خدمت بچه‌ها باشند

کارگردان و تهیه‌کننده: حجت‌اله سیفی

فیلمنامه‌نویسان: ح. سیفی، شهناز ارسالی

فیلم‌بردار: محمدقلی زاده

بازیگران: رضا ایرانمنش، لیلا بوشهری، مسیح سیفی

خلاصه داستان: دختر و پسر بچه‌ای همراه خانواده‌شان

به خلیج فارس سفر می‌کنند و در سفر ماجراهای خاصی

برایشان پیش می‌آید و از خانواده‌شان جدا و گم می‌شوند و

در این جست‌وجوگری‌ها با یک پسر بچه بومی آشنا می‌شوند

و به کمک او و اهالی دیگر نجات پیدا می‌کنند.

وقتی فیلم برای بچه‌هاست، پس باید شخصیت‌های اصلی هم خود بچه‌ها باشند. چون وقتی بچه‌ها خودشان را در فیلم می‌بینند، بیشتر با شخصیت‌ها هم‌ذات‌پنداری می‌کنند. مثلاً وقتی پسر بچه در آب‌های خلیج فارس می‌افتد و کوسه‌ها می‌خواهند او را بخورند و یک دلفین او را نجات می‌دهد، همه بچه‌ها دوست دارند به جای این شخصیت باشند و سوار دلفین شوند و در دریا گردش کنند.

من همه فیلم را در فضای رئال ساختم تا برای بچه‌ها ملموس باشد و بهتر بتوانند آن را درک کنند. در حالی که همه فکر می‌کردند بخش‌های مربوط به دریا و دلفین‌ها را به صورت انیمیشن کار می‌کنم، ولی من با دلفین واقعی کار کردم. یکی از دلایلی که فیلمنامه‌ها را برای ساخت تصویب نمی‌کردند، این بود که می‌گفتند نمی‌توان آن را ساخت. در واقع به جای این‌که به آدم کمک کنند، مدام جلوی کار را می‌گیرند. اما من مقاومت کردم و خیلی کم از امکانات اسپیشال افکتیو استفاده کردم و همه چیز را در فضای واقعی ساختم.

بچه‌های امروز را باید بر اساس امکانات جدید و امروزی رشد داد. باید بچه‌ها فیلم ببینند و از طریق فیلم دیدن با

من در آمریکا ادامه تحصیل دادم. در آن‌جا وقتی که می‌خواهید سینما بخوانید، اول زیبایی‌شناسی می‌خوانید. اول یاد می‌گیرید که به هر چه که در پیرامونتان هست، زیبا بنگرید. به آدم‌ها، به فرهنگ‌ها، به دوستی‌ها، به دوست داشتن‌ها، به عشق، به تنفر، به ضد قهرمان، به همه زیبا نگاه نکنید. نه این‌که آن‌ها همه زیبا هستند، بلکه نگاه شما باید نگاه زیباگرایی‌ها باشد تا بتوانید آن‌ها را نگاه کنید و زیبایی را به تماشاگر ارمغان بدهید. مایه اصلی من در این فیلم این بود که آن‌ها زیبا بسازم. چون احساس کردم تمام خاطرات من در آن موقع همه زیبا بودند. سختی‌ها، لرزیدن در سرمای زمستان، فرهنگ و فقر و خوشبختی آن، همه به نظر من زیبا بوده. به خاطر این‌که شما وقتی که کتابی در مورد آن سال‌ها می‌خوانید، اصلاً ناخودآگاه برای شما دلپذیر است. مسئله این فیلم، یک نگاه زیبا به روزگار گذشته و جوانی بود که چون تمام اتفاقات آن عاشقانه بود، به نظر من زیبا بود. من معتقدم عاشق شدن، نه به مفهوم عشق دو انسان بلکه به هر چیزی عشق ورزیدن به شما یک حس زیبای هنری می‌دهد. این کودک که کودکی من است، ذهنش در بیرون از خانه پرورش یافته. اصفهان یک شهر توریستی و صنعتی بود و توریست و آدم‌های خارجی زیاد بود و به نوعی تبادل فرهنگی رودررو بود. اماکن زیبا را به آن‌ها نشان می‌دادیم و با غرور و افتخار می‌گفتیم این‌ها تکه‌هایی از شهر ما هستند. این فرهنگ خاص در اصفهان وجود داشت و ما به این صورت یک مقدار بیشتر از آسمان می‌فهمیدیم. خیلی زود بزرگ و عاقل می‌شدیم، چون با آدم‌هایی از دنیای دیگر ارتباط داشتیم. اصفهانی‌ها خیلی خاطره خوبی دارند از آن موقع‌ها که شهر ما یک شهر توریستی بود و توریست‌ها می‌آمدند و با لذت به همه چیز اصفهان ما نگاه می‌کردند. فیلم‌بردار این فیلم پسر پیام آزادی بود که در فرانسه سینما می‌خواند و بدون دخالت من این فیلم را فیلم‌برداری کرد و احساس می‌کنم که خیلی خوب قصه را فهمید و او هم با دید زیبایی‌شناسانه این فیلم را فیلم‌برداری کرد و سعی کرد که هم به متن وفادار باشد و هم به امکانات محلی آن موقع و لوکیشن‌ها و آداب و سنن آن.

آن زمان در محله‌های شهرهای سنتی مثل اصفهان، افراد از بدو تولد تا زمانی که بزرگ می‌شدند، آن قدر در یک محله می‌ماندند که در حقیقت افراد محله مثل یک قبیله بودند. مردم یک محله اگر چه برادر و خواهر نبودند، اما در واقع هم‌قبیله‌ای بودند و منافع و ضررها و عیال و فرهنگ مشترکی داشتند و وقتی یک نفر را می‌دیدند، همه دودمانش را به یاد می‌آوردند. من هر وقت از مدرسه می‌آمدم و مادرم خانه نبود، خانه همسایه می‌رفتم. اگر کسی غذایی می‌بخت، برای همسایه‌ها می‌برد و همه با هم برابر بودند و صمیمانه در کنار هم زندگی می‌کردند. خانه‌ها به هم راه نداشت، ولی در خانه‌ها به روی یکدیگر همیشه باز بود. بچه همسایه، برادر یا خواهر من بود و پدر و مادر آن‌ها به نوعی در حق ما پدر و مادری می‌کردند و همین‌طور برعکس. در هر صورت این فیلم داستان قبیله‌ای است که به نوعی در همه شهرهای سنتی ما وجود داشت و امروز دیگر وجود ندارد.

فیلم‌سازی سبک‌های مختلفی دارد. این قصه را من زمانی نوشتم که رفتم سرپازی و آمدم دانشگاه. این‌ها خاطرات من در آن مقطع بود و تمام شد. وقتی شروع به فعالیت سینمایی و خواندن سینما کردم، همیشه دلم می‌خواست که این خاطرات را به تصویر بکشم و بالاخره این فرصت میسر شد و احساس کردم جای این قبیله و جای این ارتباط در فرهنگ امروزی ایران خالی است. نوع فیلم‌ها را که می‌دیدم، اغلب فیلم‌های سیاسی و وقایع روز بود. تاریخ و سیاه بود. درست مثل این‌که روابط انسان‌ها این طوری شده و من یک مقداری دلم سوخت و دلم گرفت از این‌که ما روابط و فرهنگ و سنن و آداب داشتیم و الان کمبودش را حس می‌کردم. به خاطر این‌که سنی از من گذشته و تمام این مسائل را با دل و جان خریدم و هم زخمش را خوردم و هم با شادمانی خندیدم. به همین دلیل احساس کردم چنین خاطره‌ای خاطره من نیست، خاطره خیلی‌های دیگر هم هست. حداقل تمام بچه‌هایی که عاشق سینما هستند و به نوعی عاشقانه وارد سینما شده‌اند، گوشه‌ای از این فیلم، خاطرات آن‌ها هم هست. من احساس می‌کنم که یک بیوگرافی ساخته شده که فقط بیوگرافی من نیست، بیوگرافی همه آدم‌های هم‌زمان من است.





با علی عبدالعلی زاده درباره فیلم «بازگشت به آینده»

## سطح انتظار بچه‌ها بالا رفته است



**کارگردان:** علی عبدالعلی زاده  
**تهیه کننده:** فرهاد گلی  
**فیلمنامه نویسان:** ع. عبدالعلی زاده، فاطمه پاسبان  
**فیلم بردار:** فرشاد گل سفیدی  
**بازیگران:** فتحعلی اویسی، رضا شفیعی جم، بهنوش بختیاری  
**خلاصه داستان:** سه دوست قدیمی به وسیله ماشین زمان به دوران نوجوانی شان باز می‌گردند تا سرنوشت شان را تغییر دهند.

این که شخصیت‌های داستانی آن در چه سن و سالی هستند، بر اساس موضوعی که انتخاب کرده، می‌تواند مخاطب کودک و نوجوان داشته باشد. اگر فیلم‌ساز مخاطب خود را در نظر بگیرد که در چه رده سنی و سطح آگاهی قرار دارد، به طور طبیعی می‌تواند با او ارتباط درستی برقرار کند. هر چند فیلم‌من برای بزرگ‌ترها هم می‌تواند جذاب باشد، اما مخاطب اصلی‌اش نوجوانان هستند و برای بچه‌هایی که بین ۱۰ تا ۱۷ سال سن دارند، ساخته شده است.

به نظرم بی‌رونی سینمای کودک و نوجوان بیش از هر چیزی نتیجه نوع نگاه و انتخاب تصمیم‌گیرندگان برای سینمای کودک و نوجوان با نگاه و نظر بچه‌ها یکی نیست و آن‌ها بیشتر بر اساس نوع بینش و سلیقه خودشان درباره فیلم‌ها نظر و رأی می‌دهند و اصلاً به نظر بچه‌ها بهایی نمی‌دهند. تعدادی از فیلم‌سازان هم به دنبال جلب نظر جشنواره‌ها و مطرح شدن و حمایت هستند و نوع علاقه بچه‌ها برایشان اهمیتی ندارد. در حالی که در تمام این سال‌ها دیده‌ایم این نوع فیلم‌ها در زمان اکران مورد توجه بچه‌ها قرار نمی‌گیرند و مخاطبی ندارند. اگر نگاه متولیان فرهنگی به سمت جذب بچه‌ها باشد، فیلم‌سازان را هم به این سمت هدایت می‌کنند. بنابراین اگر می‌خواهیم سینمای کودک و نوجوان دوباره پر بار شود و رونق بگیرد، باید از فیلم‌هایی حمایت شود که بچه‌ها دوست دارند و از آن‌ها استقبال می‌کنند.

من معتقدم که جشنواره باید متعلق به بچه‌ها باشد. اما چیزی که می‌بینیم، غیر از این است. غالباً فیلم‌هایی در جشنواره انتخاب می‌شوند که نمی‌توانند مخاطب کودک و نوجوان را به سوی خود بکشانند و جذب کنند. بعد هم کل سینمای کودک و نوجوان به جشنواره چند روزه محدود می‌شود و بعد از آن همه چیز متوقف می‌شود و دیگر هیچ خبری از فیلم‌های کودک و نوجوان در زمان اکران نیست. در حالی که باید به فیلم‌هایی توجه نشان داده شود که قدرت و توانایی جذب مخاطب را در میان بچه‌ها موقع اکران دارد.

داستان فیلم درباره سه پیرمرد است که از گذشته با هم دوست بودند و حالا در پیروی با یک ماشین زمان به دوران نوجوانی خود بازمی‌گردند تا سرنوشتشان را تغییر دهند.

من مقاله‌ای درباره تئوری اثر پروانه‌ای خواندم که یک نظریه علمی است و می‌گوید اگر پروانه‌ای در آفریقا بال بزند، اثر آن می‌تواند در آمریکا توفانی را ایجاد کند. من این نظریه علمی را به مسائل اجتماعی وصل کردم که گاهی یک اتفاق کوچک در زندگی می‌تواند روی آینده چه تأثیر جدی و عمیقی بگذارد و سرنوشت فرد را به جای دیگری ختم کند. بر اساس چنین ایده‌ای داستان فیلم را نوشتم که این سه دوست تلاش می‌کنند با برگشتن به گذشته، اشتباهی را که در مدرسه در نوجوانی انجام دادند، تکرار نکنند و سرنوشت دیگری را برای خود رقم بزنند. احساس کردم چنین داستانی می‌تواند به مخاطبان نوپایم این آموزش را بدهد که چقدر انتخاب‌ها در زندگی آینده‌شان تأثیر دارد. قسمت‌هایی از فیلم که مربوط به اختراع ماشین زمان و سفر شخصیت‌ها به گذشته است، فضای علمی-تخیلی و فانتزی دارد. چون من قبلاً هم از این جور تجربه‌ها در فیلم‌های دیگرم انجام داده بودم، از لحاظ اجرا هیچ مشکلی نداشتم و همه چیز به خوبی انجام شد. به نظرم خیلی مهم است که فیلم از لحاظ فناوری و تکنیکی هم در سطح خوبی باشد. چون با توجه به این که بچه‌ها فیلم‌های جدید و روز دنیا را می‌بینند، به راحتی با هر چیزی کنار نمی‌آیند و آن را باور نمی‌کنند.

با توجه به فیلم‌هایی که امروزه بچه‌ها می‌بینند، انتظاراتشان بالا رفته است و با فیلم‌هایی که از لحاظ هوش و خلاقیت و تخیل در سطح پایینی است، زیاد هم دلی نشان نمی‌دهند. فکر می‌کنم بچه‌ها از فیلم‌های مفرح و سرگرم‌کننده که پیامشان را مستقیم به آن‌ها منتقل نمی‌کنند، خوششان می‌آید. مخصوصاً فیلم‌هایی که قهرمانی داشته باشد که بتواند قصه را جلو ببرد و با تخیل و رویاپردازی آن‌ها بازی کند.

من هم به تفکیک سنی میان کودک و نوجوان اعتقاد دارم و هم به تقسیم‌بندی فیلم برای کودک و نوجوان و فیلم درباره کودک و نوجوان اهمیت می‌دهم. به نظرم هر فیلمی فارغ از

فرهنگ اسلامی و تمدن ایرانی آشنا شوند. اگر قرار است کار فرهنگی و آموزشی برای بچه‌ها بکنیم، باید در قالب فانتزی باشد تا بچه‌ها خوششان بیاید و جذب شوند.



به نظرم جشنواره متعلق به مسئولان، فیلم‌سازان و بچه‌هاست. دو گروه مسئولان و فیلم‌سازان جمع می‌شوند تا برای بچه‌ها کار کنند. پس مسئولان باید بفهمند که فیلم‌ساز چه امکاناتی لازم دارد تا بتواند برای بچه‌ها فیلم بسازد. فیلم‌سازها هم باید یاد بگیرند که بچه‌ها به چه فیلم‌هایی علاقه دارند. بنابراین هر دو تا گروه در خدمت بچه‌ها هستند.

آموزش و تربیت باید از سنین کودکی شروع شود تا در سن بهره‌برداری در بزرگسالی، افراد با هم مشکل پیدا نکنند. اگر قرار باشد بچه‌ها برای آینده‌شان بیاموزند، تربیت و آماده شوند، باید برای روزانه فیلم دیدن بچه‌ها برنامه داشته باشیم و آن‌ها را به فیلم دیدن عادت دهیم. اول فیلم‌هایی را برایشان نمایش دهیم که برای بچه‌هاست و بعد فیلم‌هایی را که درباره بچه‌هاست.

اول از همه چیزی که جشنواره کودک و نوجوان نیاز دارد، یک برنامه‌ریزی مداوم و منسجم است. دوم این که این جشنواره هر سال در استان‌های مختلف به صورت گردشی برگزار شود تا همه بچه‌های ایران با آن آشنا شوند. سوم این که مجموعه فیلم‌های هر جشنواره را سال بعد در استان‌های دیگر نمایش دهند. چهارم این که برای ساخت فیلم‌های مخصوص کودکان سرمایه‌گذاری درستی انجام شود و مسئولان کمک کنند تا فیلم‌های بیشتری ساخته شود و سینماهای خاصی را برای اکران این فیلم‌ها در نظر بگیرند. پنجم این که آموزش و پرورش بخشی از کلاس‌های پرورشی و هنری خود را به نمایش فیلم برای بچه‌ها اختصاص دهد و از مربیانی استفاده شود که فیلم‌شناس باشند و بتوانند برداشته‌ها و تحلیل‌هایشان از فیلم‌ها را با بچه‌ها در میان بگذارند و از آن‌ها بخواهند درباره فیلم حرف بزنند و نظر بدهند تا بچه‌ها از همان کودکی و نوجوانی با سینما آشنا شوند و یاد بگیرند که جنبه‌های آموزشی و تربیتی فیلم‌ها را درک کنند.



## اعلام نتایج برگزیدگان بیست‌وششمین جشنواره بین‌المللی فیلم‌های کودکان و نوجوانان

# گستره ایران زیر پرچم جشنواره نویدبخش

اصفهان که به رسم سال گذشته پنج روز پذیرای مهمانان بسیاری از میان هنرمندان ایران و سایر نقاط جهان بود، سرانجام ۲۱ مهرماه به حاصل زحمات گروه گسترده‌ای از دست‌اندرکاران جشنواره پایان داد. جشنواره فیلم کودک و نوجوان پس از اکران فیلم‌های شرکت‌کننده در ۳۰۰ سانس، در نهایت با اعلام نتایج به این رخداد که بیست‌وششمین دوره پراوازه خود را رقم زد، فیلم‌های برگزیده خود را معرفی کرد.

فیلم **فرزند خوانده** ساخته وحید نیکخواه آزاد توانست با حضور در اکثر قسمت‌های مختلف مسابقه بخش بلند سینمای ایران، بیشترین تعداد کاندیدا شدن را به خود اختصاص دهد. و در نهایت با پنج نامزدی رکورددار این دوره از جشنواره شد. فیلم **گورداله و عمه غولی** موفق به کسب عنوان بهترین فیلم، **فرزند خوانده** برنده پروانه زرین جایزه ویژه هیئت داوران و فیلم **بزرگ‌مرد کوچک** پروانه مرزبان برنده جایزه شهید بهنام محمدی شد.

ابراهیم فروزش، جهانگیر الماسی، حبیب‌الله بهمنی، عبدالله علیمراد، گلاب آدینه، علیرضا زرین دست و مهتاب کرامتی دآوری ۱۳ فیلم این بخش را به عهده داشتند.



گورداله و عمه غولی



فرزند خوانده

● اسامی کاندیداها و برندگان بخش کوتاه، نیمه بلند و بلند ویدیویی بیست‌وششمین جشنواره بین‌المللی فیلم کودک و نوجوان:

کاندیدای دریافت پروانه زرین بهترین اثر بلند:

۱- شعله در باد (فرهاد مهرانفر - صدا و سیمای مرکز گیلان)

۲- سجاده (شهرزاد سالمی - علی محمدپور)  
۳- قصه من و دوچرخه بابام (علی حجازی مهر)  
۴- در اعماق خطوط (علی اکبر بکتاشیان)  
۵- شب طولانی (عباس زارع - مرتضی میرشفیع)

● پروانه زرین بهترین اثر بلند:  
قصه من و دوچرخه بابام (علی حجازی مهر)

دیپلم افتخار:  
شب طولانی (عباس زارع - مرتضی میرشفیع)  
کاندیدای دریافت پروانه زرین بهترین اثر کوتاه:

۱- تولد یک عروسک (بهروز باقری)  
۲- خروسک (فریدون نجفی)

۳- زاغ و روباه (محمود کیانی فلاورجانی)  
● پروانه زرین بهترین اثر کوتاه:  
خروسک (فریدون نجفی)

دیپلم افتخار:  
۱- تولد یک عروسک (بهروز باقری)  
۲- زاغ و روباه (محمود کیانی فلاورجانی)

کاندیدای دریافت پروانه زرین بهترین فیلمنامه:  
۱- شعله در باد (فرهاد مهرانفر - محمد رضایی راد)  
۲- سجاده (شهرزاد سالمی - اقدس افتخاریان)  
۳- قصه دوچرخه من و بابام (فیاض موسوی)  
۴- در اعماق خطوط (سجاد امیر یزدانی)  
۵- عملیات کرکس (غلامرضا رضانی)

● پروانه زرین بهترین فیلمنامه:  
در اعماق خطوط (سجاد امیر یزدانی)

دیپلم افتخار:  
عملیات کرکس (غلامرضا رضانی)

کاندیدای دریافت پروانه زرین بهترین بازیگر کودک و نوجوان:

۱- سجاده (مانده سالمی)  
۲- کاکوتی (تارا بهزادی فرد)  
۳- مزرعه کودکی (پارسا قره‌خانلو)  
۴- یک داستان عاشقانه (ابراهیم زارعی)  
۵- قصه من و دوچرخه بابام (احمد رضا متین فر)  
۶- عملیات کرکس (امیرعلی تقی‌زاده)  
۷- شعله در باد (مریم دلخواسته)  
۸- قدر آن روزها (برانوش سیف‌الهی)  
۹- مرادو (علی اکبر برزگر)

● پروانه زرین بهترین بازیگر کودک و نوجوان:  
کاکوتی (تارا بهزادی فرد)

دیپلم افتخار:  
۱- سجاده (مانده سالمی)  
۲- مزرعه کودکی (پارسا قره‌خانلو)  
۳- قصه من و دوچرخه بابام (احمدرضا متین فر)  
۴- قدر آن روزها (برانوش سیف‌الهی)  
۵- مرادو (علی اکبر برزگر)

کاندیدای دریافت پروانه زرین جایزه ویژه هیئت داوران:

۱- شعله در باد (فرهاد مهرانفر)  
۲- در اعماق خطوط (محمد صادق بکتاشیان)  
۳- عملیات کرکس (غلامرضا رضانی)  
۴- سجاده (شهرزاد سالمی)

● پروانه زرین جایزه ویژه هیئت داوران:  
به کارگردان فیلم سجاده (شهرزاد سالمی)

کاندیدای دریافت پروانه زرین بهترین کارگردانی:  
۱- شعله در باد (فرهاد مهرانفر)  
۲- لب دریا (حمید نعمت‌اله)  
۳- قصه‌های من و دوچرخه بابام (فیاض موسوی)  
۴- سجاده (شهرزاد سالمی)  
۵- کاکوتی (محمد حسن‌زاده)

● پروانه زرین بهترین کارگردانی:  
شعله در باد (فرهاد مهرانفر)  
دیپلم افتخار:  
لب دریا (حمید نعمت‌اله)

● اسامی کاندیداها و برندگان بخش پویا نمایی بیست‌وششمین جشنواره بین‌المللی فیلم کودک و نوجوان:

کاندیدای دریافت پروانه زرین بهترین اثر کوتاه یا نیمه بلند (کارگردان)

۱- آواز شب (معین صمدی)  
۲- چرا این تلفن زنگ نمی‌زند؟ (هادی یقین‌لو)  
۳- ماهیگیر (نیما غضنفری)  
۴- خط قرمز (مونا عبدالله شاهی)  
۵- کرماندو (حامد اکرمی)

● پروانه زرین بهترین اثر کوتاه یا نیمه بلند (کارگردان):

آواز شب (معین صمدی)

دیپلم افتخار:  
۱- ماهیگیر (نیما غضنفری)  
۲- خط قرمز (مونا عبدالله شاهی)  
۳- کرماندو (حامد اکرمی)

کاندیدای دریافت پروانه زرین بهترین کارگردانی (اثر کوتاه یا نیمه بلند):

۱- وال استریت (فرونش عابدی)  
۲- ننه کلاغ و روباهه (محمد علی سلیمان‌زاده)  
۳- ترازو (رامین رهبر)  
۴- چرا این تلفن زنگ نمی‌زند؟ (هادی یقین‌لو)  
۵- شب گوسفند (امیر مهران)  
۶- کرماندو (حامد اکرمی)

● پروانه زرین بهترین کارگردانی (اثر کوتاه یا نیمه بلند):

چرا این تلفن زنگ نمی‌زند؟ (هادی یقین‌لو)

دیپلم افتخار:  
۱- ننه کلاغه و روباهه (آزاده معزی)  
۲- ترازو (رامین رهبر)  
۳- شب گوسفند (امیر مهران)

کاندیدای دریافت پروانه زرین جایزه هیئت داوران (کارگردان):

۱- ماهیگیر (نیما غضنفری)  
۲- وال استریت (فرونش عابدی)  
۳- چرا این تلفن زنگ نمی‌زند؟ (هادی یقین‌لو)  
● پروانه زرین جایزه ویژه هیئت داوران:  
وال استریت (فرونش عابدی)

دیپلم افتخار: ندارد

کاندیدای دریافت پروانه زرین بهترین دستاورد فنی و هنری (کارگردان):

۱- آواز شب  
۲- چرا این تلفن زنگ نمی‌زند؟  
۳- راز آن درخت  
۴- کرماندو  
۵- کودکان دشت  
۶- من همسر م و گاومون  
۷- ماه مهربان

● پروانه زرین بهترین دستاورد فنی و هنری:

راز آن درخت  
دیپلم افتخار:  
۱- کودکان دشت  
۲- من و همسر م و گاومون  
۳- ماه مهربان

● اسامی کاندیداها و برندگان بخش بلند سینمای ایران بیست‌وششمین جشنواره بین‌المللی فیلم کودک و نوجوان:  
کاندیدای دریافت پروانه زرین بهترین فیلم بلند (تهیه‌کننده):



## اسامی برندگان بخش بین الملل

### بیست و ششمین جشنواره بین‌المللی فیلم‌های کودکان و نوجوانان

#### Special Jury Prize

Seyed Alireza Golpayegani & Behnam Deldadeh, Directors of AN AFFECTIONATE GENTLEMAN (Iran)

#### Best Short or Medium-length Film Award

THE RED LINE, Directed & Produced by Mona Abdollah Shahi (Iran)

#### Best Feature-length Film Award

THE DAY OF THE CROWS, Produced by William Picot and Marc Jousset (France / Belgium)

#### Special Mention

##### CIFEJ PRIZE

#### Special Mention

THE GREEN UMBRELLA produced and directed by Nasser Refa'i (Iran)

#### Outstanding Asian Film Award

BUTA directed by Ilgar Najaf (Azarbaijan)

#### Best Creative Technical or Artistic Achievements Award

Gustavo Ron, director of WAYS TO LIVE FOREVER (Spain / UK)

#### Best Performance Award

Anastasiya Molotilova for the film, PLAYING WITH THE DOLLS (Russia)

#### Best Short Film Award

THE STUBBORN MULE AND THE REMOTE CONTROL directed by Hélio Villela Nunes (Brazil)

#### Best Script Award

Rahbar Ghanbari for GROWING IN THE WIND (Iran)

#### Best Director Award

Looloo Lu for LIFE IS WONDERFUL (Taiwan)

#### Best Film Award

Kentaro Koike & Hijiri Taguchi for I WISH (Japan)

جایزه ویژه هیئت داوران  
سید علیرضا گلپایگانی و بهنام دل‌داده، کارگردانان فیلم «آقای مهربان» (ایران)

جایزه بهترین پویا نمایی کوتاه یا نیمه بلند  
«خط قرمز» به کارگردانی و تهیه کنندگی مونا عبدالله شاهی (ایران)

بهترین پویانمایی بلند  
«روز کلاغ‌ها» به تهیه کنندگی ویلیام پیکو و مارک ژوسه (فرانسه و بلژیک)

جایزه سیفژ  
لوح افتخار

جایزه سیفژ  
راه‌های جاودانه زیستن به کارگردانی گوستافو رون (اسپانیا و بریتانیا)

پروانه زرین کودک و مقاومت  
جوایز هیئت داوران بین الملل

لوح تقدیر  
«چتر سبز» به تهیه کنندگی و کارگردانی ناصر رفایی (ایران)

جایزه فیلم برجسته آسیایی  
«بوتا» به کارگردانی ایلگار نجف (آذربایجان)

جایزه بهترین دستاورد فنی یا هنری  
گوستافو رون، کارگردان «راه‌های جاودانه زیستن» (اسپانیا / بریتانیا)

بهترین بازیگر  
آناستاسیا مولوتیلوفا برای «عروسک بازی» (روسیه)

بهترین فیلم کوتاه  
«آدم یک‌دنده و کنترل از راه دور» به کارگردانی هلیو ویه لا نوز (برزیل)

بهترین فیلمنامه  
رهبان قنبری برای «رویدن در باد» (ایران)

بهترین کارگردان  
لولو لو برای «زندگی پر از شگفتی است» (تایوان)

بهترین فیلم  
کنتارو کوئیکه و هیجیری تاگوچی برای «ای کاش» (ژاپن)

۱- فرزند خوانده (وحید نیکخواه‌آزاد)  
۲- گورداله و عمه غولی (نادره ترکمانی)  
۳- چتر سبز (ناصر رفایی)  
پروانه زرین بهترین فیلم (تهیه‌کننده):  
گورداله و عمه غولی (نادره ترکمانی)  
دیپلم افتخار:

فرزند خوانده (وحید نیکخواه‌آزاد)  
کانبیدی دریافت پروانه زرین بهترین کارگردانی:  
۱- چتر سبز (ناصر رفایی)  
۲- فرزند خوانده (وحید نیکخواه‌آزاد)  
۳- گورداله و عمه غولی (نادره ترکمانی)  
۴- آقای مدیر (حسن آقا کریمی)

پروانه زرین بهترین کارگردانی:  
گورداله و عمه غولی (نادره ترکمانی)  
دیپلم افتخار:  
۱- چتر سبز (ناصر رفایی)  
۲- آقای مدیر (حسن آقا کریمی)

کانبیدی دریافت پروانه زرین بهترین فیلمنامه:  
۱- فرزند خوانده (وحید نیکخواه‌آزاد)  
۲- آقای مدیر (رضا حیدرنازاد)

۳- گورداله و عمه غولی (خسرو صالحی - نادره ترکمانی)  
۴- بزرگ مرد کوچک (عبدالجبار دلدار)  
پروانه زرین بهترین فیلمنامه:

فرزند خوانده (وحید نیکخواه‌آزاد)  
دیپلم افتخار:  
آقای مدیر (رضا حیدرنازاد)

گورداله و عمه غولی (خسرو صالحی - نادره ترکمانی)  
کانبیدی دریافت پروانه زرین بهترین فیلمنامه (اقتباسی):

ندارد  
پروانه زرین بهترین فیلمنامه اقتباسی: ندارد  
کانبیدی دریافت پروانه زرین بهترین بازیگر کودک و نوجوان:

۱- بازیگر نوجوان فیلم بزرگ مرد کوچک (محمد جواد سلام پور)  
۲- بازیگر فیلم فرزند خوانده (علیرضا مظفری)  
۳- بازیگر فیلم فرزند خوانده (ارشیا صادقی)  
۴- بازیگر فیلم چتر سبز (علی غفوری فرد)

پروانه زرین بهترین بازیگر کودک و نوجوان:  
۱- بزرگ مرد کوچک (محمد جواد سلام پور)  
۲- فرزند خوانده (ارشیا صادقی)  
دیپلم افتخار:

۱- چتر سبز (علی غفوری فرد)  
۲- فرزند خوانده (علیرضا مظفری)  
کانبیدی دریافت پروانه زرین جایزه ویژه هیئت داوران:

ندارد  
کانبیدی دریافت پروانه زرین بهترین دستاورد فنی و هنری:

۱- فیلم گورداله و عمه غولی (مجید یوسفی‌زاده)  
۲- فیلم آدم آهنی (رضا میثاقی)  
پروانه زرین بهترین دستاورد فنی و هنری:  
جلوه‌های ویژه فیلم گورداله و عمه غولی (مجید یوسفی‌زاده)

پروانه زرین جایزه ویژه هیئت داوران:  
فرزند خوانده (وحید نیکخواه‌آزاد)  
دیپلم افتخار:

۱- موسیقی فیلم گورداله و عمه غولی (بهنود یخچالی)  
۲- طراح و سازنده عروسک گورداله و عمه غولی (فاطمه سوزنگر - نیلوفر رفیعی)  
۳- مدیر فیلم‌برداری فیلم قبیله من (پیام آزادی)  
۴- مدیر فیلم‌برداری فیلم فرزند خوانده (فرشاد محمدی)

جایزه شهید بهنام محمدی (با صلاح‌دید دبیر جشنواره):  
به تهیه‌کننده فیلم بزرگ مرد کوچک خانم پروانه مرزبان

## بیانیه هیئت داوران یونیسف

کودکان، نه فقط به عنوان آینده‌سازان، بلکه به عنوان افرادی دارای هویت و حقوقی مستقل برای ما قابل احترام و ارزشمندند.  
پیمان نامه حقوق کودک، به عنوان پذیرفته‌شده‌ترین پیمان نامه بین‌المللی، این حقوق را به خوبی مشخص کرده است.  
جمهوری اسلامی ایران نیز جزو اولین کشورهای بود که در سال ۱۳۷۳ هجری شمسی به این پیمان نامه پیوست.  
سینما و فیلم‌سازی یکی از قدرتمندترین ابزار فرهنگی و اجتماعی برای ترویج حقوق کودک محسوب می‌شود.  
یونیسف از همه فیلم‌سازان و کارگردانان فعال در حوزه فیلم‌های کودکان و نوجوانان حمایت کرده و آن‌ها را به توجه و تمرکز بیشتر روی مسائل و حقوق کودکان تشویق می‌کند.

هیئت داوران یونیسف، ضمن تقدیر ویژه از فیلم فرزند خوانده ساخته آقای وحید نیکخواه‌آزاد به خاطر توجه به موضوع مهم فرزندخواندگی، احترام به حق مشارکت کودک در تصمیم‌گیری‌ها و عزت نفس کودک، در نهایت جایزه ویژه یونیسف را به دلیل نگاه واقع‌بینانه به مسئله کار کودک، توجه به اجبار کودک به فاصله گرفتن از کودکی خود، تأکید بر روابط زیبای انسانی و سجایای اخلاقی و پرداخت زیبای سینمایی، به فیلم مروراید ساخته جناب آقای سیروس حسن پور اهدا می‌نماید.

داوران:

۱. منصور مقاره عابد از مرجع ملی حقوق کودک
۲. جعفر گودرزی نماینده بنیاد سینمایی فارابی
۳. مانلی آقا خان از بخش حمایت از کودک یونیسف
۴. بهاره یگانه‌فر از بخش ارتباطات یونیسف



## کاش زاینده رود هم

# مثل جشنواره زاینده رود

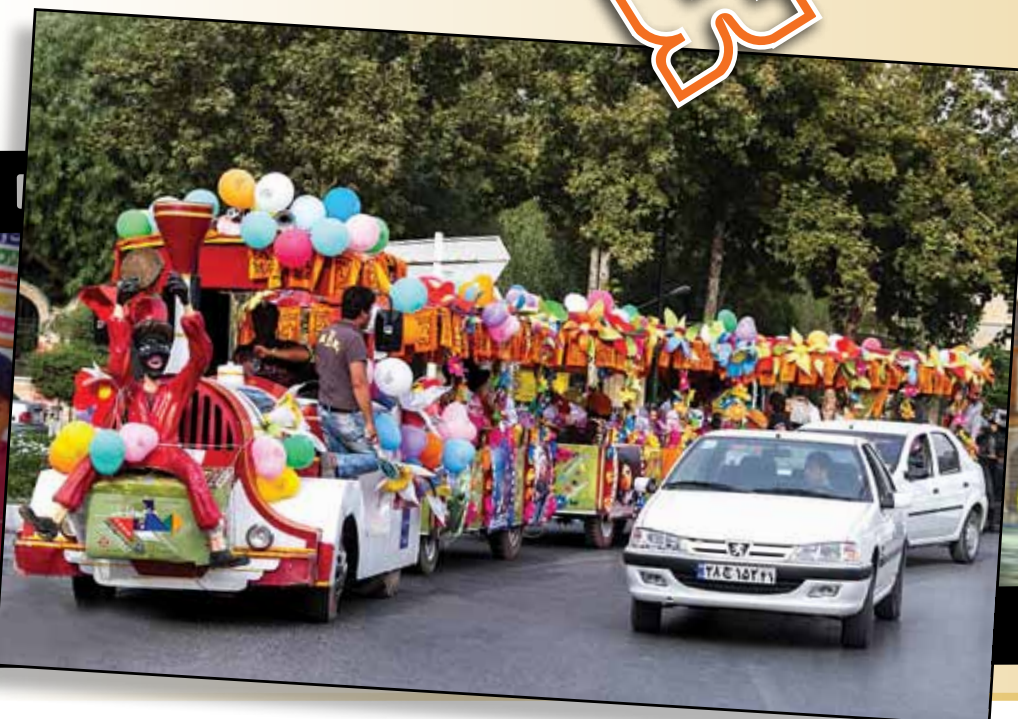
علی نعیمی

### خارجی - روبه‌روی سینما قدس - روز

اسمش علیرضا بود. یک هیکل ترکه‌ای با زلفی خوابیده روی پیشانی. سن و سالش نباید بیش از هفت یا هشت سال می‌بود. مثل تمام کودکان اصفهانی که نمونه همیشگی‌اش در ذهنمان مهدی باقریگی در دوران کودکی است. با لهجه‌هایی شیرین و چشمانی پر از سؤال و شیرین زبانی‌ای که شاید هم خودش از آن اطلاعی نداشته باشند. علیرضا با همه این ویژگی‌ها جلوی من ایستاده بود و ازم می‌خواست شما که از این بلیت‌های جشنواره دارید (اشاره به کارت جشنواره بود که گردن آویز کرده بودم)، می‌شه به این آقا بگید من را به سینما راه دهید؟ کتانی‌های مشکی و قرمز پارچه‌ای و شلوار قهوه‌ای‌اش یک دم از نگاهم گذر کرد. دستش را گرفتم و با همان کارت وارد سالن سینما شدیم.

### خارجی - روبه‌روی موزه هنرهای معاصر - روز

مشغول تماشای سردر موزه و پوسته‌های اطراف آن بودم که مادری با فرزندش به سمتم آمدند. با صدایی آرام آن قدر که با دقت زیاد صحبت‌هایش شنیده می‌شد، آدرس برنامه‌های عمو پورنگ را می‌گرفت. آقایی که مسئول بلیت‌های بچه‌ها بوده به مادر پسرک گفته بود امروز جایی برای پسر کوچکش ندارد و فکر می‌کرد کاری از دست من بر می‌آید تا حسین کوچولویش را به داخل سالن ببرم. به جایش توصیه کردم به سینماهای مردمی بروند و فیلم را رایگان نگاه کنند.





### خارجی - سطح شهر - روز

شهر را که می‌گردیم، یک چیزی بیش از همه جلب توجه می‌کند؛ این که مردم شهر حواسشان به جشنواره است. می‌دانند چه اتفاقی در شهرشان افتاده و آن را باور کرده‌اند. میانه‌های بلوار تصاویر پوستر جشنواره نصب شده است و هر کجا که نشانه‌ای از آن پیدا می‌کنیم، بی‌اختیار رنگ‌بندی شاد آن به آدم تلنگر می‌زند. تلنگری به قدمت ۲۶ دوره برگزاری جشنواره برای قشری از جامعه که حتی نگاه‌هایشان، ایستادنشان، حرف زدن‌هایشان همگی امید است و آرامش. نشستن در سالن‌های سینمایی که صندلی کناری‌ات یک کودک با تمام هیجان‌ات امروز است و وقتی می‌خواهد یک فیلم ۹۰ دقیقه‌ای را ببیند، به اندازه هر تغییر پلان روی صندلی جابه‌جا می‌شوند و لحظه‌ای ساکت نمی‌شوند. عدم سکوتی که اعتبار شهر اصفهان و جشنواره آن است. همان کودکی که به وقت شماتت پدر و مادر از آن‌ها فاصله می‌گیرد و در فاصله کمتر از پنج دقیقه بی‌پناه از همه‌جا به همان آغوش باز می‌گردد. که وقتی آرام است، در ذهنش پر از سؤال است و وقتی که مشغول کندوکاو زندگی است، تمام تراوشات ذهنش را امتحان می‌کند.

به هر کجای شهر که سرک می‌کشی، نشانه‌ها حضور دارند. نشانه‌های ترکیب هنر و معنویت. سینما مولود معناست و شهر پر از نشانه‌های این معناست؛ نشانه‌های رنگ گرفتن اصفهان به نام بانویی که زینت جشنواره است. مرد موتورسوار و همراهش راست می‌گفتند. این‌جا در اصفهان حال همه خوب است. با جیب پر پول و بدون آن. با شلوارهای وصله‌دار و لباس‌های پلوخوری. این‌جا اگر شریان عمر اصفهان گاهی خشک می‌شود، روزهایی که مردمان به شادی آیندگان خود شاد و برای سلامت روحشان تلاش می‌کنند. شهری به وسعت تاریخ و قدمت فرهنگ اصیلش. در حالی در کنار پل‌های تاریخی و میدان‌های معروفشان قدم می‌زنند که به فکر ساختن آیندگان و آرمان‌هایشان هستند. اتفاقی که از دل همین رویداد فرهنگی بیرون می‌آید. از دل همین کودکان. به وقت شیطنت روی صندلی سینما. باید حواسمان به این رویداد مهم فرهنگی باشد. شهری که از سطح شهر تا سالن‌های تاریخش حسی جریان دارد که حضور در آن را مغتنم می‌کند. این‌جا اصفهان است. شهری که دوستش داریم.

### خارجی - ترافیک خیابان چهار باغ - روز

داخل ماشین جشنواره نشسته‌ایم. شیشه جلو پایین است. یک موتور با دو سرنشین کنارمان ایستادند. روی کاپوت پشت ماشین پرچم‌های جشنواره وصل است. نفر دوم با کت و شلوار پشت آن نشسته است. به ما به شوخی می‌گوید این پرچم‌ها را به ما بدهید تا در حرکت تکانش دهیم. در همان فاصله کوتاه ماندن در ترافیک شهر بحث به جشنواره می‌کشد و این که مردم اصفهان در دو بازه زمانی حالشان خوب است. اول زمانی که زاینده‌رود آب داشته باشد و دوم وقتی که شهرشان فضای جشنواره را به خود می‌گیرد. از اولی که فعلا خبری نیست، اما چه خوب که با دومی هم می‌شود حال مردمی را شاد کرد که حتی در جدی‌ترین صحبت‌هایشان هم مخاطب مقابل را آرام می‌کنند.



گفت‌وگو با دکتر سیدمرتضی  
سقایان‌نژاد شهردار اصفهان

# جشنواره چشم‌انداز تربیت‌نسلی قاعده‌مند

جشنواره فیلم کودک و نوجوان که دومین سال بازگشت به اصفهان را تجربه می‌کند، در تعامل با شهرداری امید به ماندگاری در این شهر را دارد. به همین دلیل با دکتر سیدمرتضی سقایان‌نژاد شهردار اصفهان که ۱۰ سال در این سمت بوده به گفت‌وگو نشستیم تا از اقداماتی که در دوره بیست‌وششم انجام شده است و اتفاقاتی که امید ماندگاری جشنواره را در این شهر به واقعیت تبدیل می‌کند، بپرسیم.

نشریه روزانه - عسل آذر پور - اتفاقات و تدارکاتی که شهرداری اصفهان امسال برای پیشواز و جریان برگزاری جشنواره فیلم کودک و نوجوان انجام داده است، چه بوده؟ این تمهیدات به نسبت سال گذشته چه تفاوت و تغییری در ارتقای سطح کیفی و کمی داشته است؟ دانستن انگیزه شهرداری برای ورود به این حرکت فرهنگی، فهم دلیلی است که ما هر ساله جزو وظایف خود می‌دانیم تا در این موضوع با قوت بیشتری مشارکت کنیم. جشنواره



یک موقعیت و فرصت فرهنگی هنری است، علی‌الخصوص زمانی که حرکتی در ارتباط با کودک مطرح می‌شود و از حساسیت بیشتری برخوردار است. چراکه آینده کشور در دستان کودکانی است که تنها با برنامه‌ریزی می‌توان به آن دسترسی یافت. پس باید به واسطه یک برنامه منظم و دقیق نسلی تربیت شود که خود را فردی میهن‌پرست، شجاع، خوداتکا و خودباور بداند. به همین جهت قواعد فرهنگی باید برای رشد و نمو و با توجه به ظرفیت‌های واژه‌ها و اصالت‌های فرهنگی و تمدنی نوشته و پرداخته شود. این‌که اصفهان در چنین جریانی شرکت کند، نخست به این خاطر است که در چند سال گذشته این شهر به

عنوان پایتخت فرهنگی کشورهای اسلامی بعد از مکه انتخاب شده و همین‌طور از سمت دولت ایران نیز به عنوان پایتخت تمدن فرهنگی هنری کشور برگزیده شد. به علاوه در سه دوره پایتخت بزرگ کشور ایران زمین بوده. این مباحث بیانگر تمدن و فرهنگ شهری است که حالا به نظر بهترین گزینه برای برگزاری چنین جشنواره‌ای می‌رسد. از طرفی دیگر هیچ شهری به اندازه اصفهان دارای ظرفیت فرهنگی هنری برای برگزاری چنین جشنواره‌ای نیست.

بر همین اساس برای رسیدن و دنبال کردن یک حرکت زیربنایی از سنوات گذشته به غیر از دورانی که به دلیل اختلافاتی با بنیاد سینمایی فارابی این جشنواره از اصفهان جدا شد، استفاده کردیم. تا بعد از مذاکرات و تفاهات تازه بتوانیم این رخداد را به شهر خودمان بازگردانیم. به همین جهت، و با توجه به تفاهم تازه و با استفاده از ظرفیت‌های اصفهان سعی شد که دوباره جشنواره به شکل مناسبی برگزار شود. بنا به اظهار نظر کارشناسان، این دو دوره گذشته به لحاظ کیفی مورد توجه قرار گرفت. علاوه بر این تلاش کردیم تا برای جشنواره فیلم کودک و نوجوان دبیرخانه رسمی را تأسیس کنیم تا این اتفاق نهادینه شود که پس از پایان جشنواره بتوانیم برای سال آینده برنامه منظمی را براساس اهداف تدوین کنیم. همین مسائل باعث شد که این دوره نسبت به دوره‌های گذشته با کیفیت‌تر برگزار شود. در این دوره تعامل بهتری با بنیاد سینمایی فارابی اتفاق افتاد، تا برنامه‌ریزی‌ها از چندین ماه پیش آغاز شود. به همین خاطر برنامه‌های جنبی جشنواره نسبت به گذشته منسجم‌تر بودند؛ علی‌الخصوص در زمینه گسترش شادابی. شاید تعدد فیلم‌های شرکت‌کننده در این دوره به اندازه کافی چشم‌گیر نباشد، اما در مقایسه با سال‌های گذشته که تنها با چند فیلم این جشنواره برگزار می‌شد، اتفاق فرخنده و قابل تأملی رخ داده است. ۲۸۷ فیلمنامه در قیاس با ۱۴۰ اثر ارائه شده در سال‌های گذشته، که ۷۰ عنوان آن به اصفهانیان تعلق دارد نیز قابل توجه است. در مباحث ظرفیتی نیز مجموعه سالن‌های همایش بین‌المللی را در دست ساخت داریم. هرچند قرار بود که این مجموعه‌ها برای جشنواره امسال آماده شوند، اما به خاطر برگزاری اجلاس کشورهای غیرمتعهد بودجه به سمت تهران رفت و ما با مشکل کمبود مالی مواجه شدیم. البته این نوید را می‌دهیم که این مجموعه‌ها تا سال آینده برای جشنواره بیست‌وهفتم آماده بهره‌برداری باشند. افزایش این ۱۲ سالن که تنها یکی از آن‌ها با ظرفیت ۲۵۰۰ نفره به مراسم افتتاحیه و اختتامیه اختصاص خواهد یافت و هشت سالن سینمایی که در کنار این سالن‌ها ساخته خواهد شد، از جمله زیربناهای در دست تولید است. همین‌طور در آبان‌ماه سیتی سنتری افتتاح می‌شود.

تمام این امکانات به سایر سینماهای موجود تجهیز شده برای امسال افزوده شد و بستر مناسبی برای حرکت‌های بزرگ‌تر را فراهم خواهد کرد. کما این‌که همین امسال هم علاوه بر اصفهان در چهار شهر دیگر این استان جشنواره و مقوله اکران فیلم‌ها به صورت هم‌زمان برگزار شد. این نشان ظرفیت روبه‌رشدی است که در قالب جشنواره فیلم کودک و نوجوان ایجاد شده. به طور مثال در بهمن‌ماه امسال جشنواره بازی‌های رایانه‌ای کودکان اصفهان را با حضور ۱۵ کشور برگزار خواهیم کرد. چنین امکانات زیربنایی‌ای موجب شد تا ما برای برگزاری هشت جشنواره در طول سال

## 26th International Festival of Films for Children and Young Adults is A SIGNIFICANT EVENT

Isfahan Mayer, Morteza Saghaian, believes, comparing to previous years of the Children and Young Adults Film Festival in Isfahan, 26th festival is a significant event. Two hundred and eighty seven film scripts, for example, have been attended in this festival while this number was one hundred and forty in last year. Besides, out of two hundred and eighty seven film scripts, seventy of them are written by Isfahani writers. We also hope to have more screening halls in for 27th International Festival of Films for Children and Young Adults. I believe that the festival has the best message for all audiences, which is, Happy Child, Informed Young Adults, and Stable Family.



## گزارش داوران بین‌الملل

# ناباوری داوران از سطح کیفی فیلم‌های مهمان جشنواره



آخرین نشست جمع‌بندی داوران بخش بین‌الملل که شامل پنج نفر از کشورهای مختلف و دو نفر از ایران بود، چهارشنبه صبح در هتل عباسی برگزار شد. این آخرین جلسه برای تصمیم‌گیری در ارتباط با نتایج نهایی و اعلام در اختتامیه بود. به این واسطه با ویشکا آسایش و علی شاه‌حاتمی در خصوص فیلم‌هایی که تماشا کرده و در موردشان تصمیم گرفته‌اند، گفت‌وگو کردیم.

### جشنواره، سرآغازی برای توسعه سینمای کودک

ویشکا آسایش درباره کیفیت فیلم‌هایی که در بخش بین‌الملل حضور داشتند، گفت: «انتظار بیشتری از کیفیت فیلم‌های پذیرفته شده در این بخش از جشنواره داشتم. اما با توجه به توقعی که از سطح کیفی در نظر بود، تنها تعداد انگشت‌شماری فیلم قابل قبول بودند.»

او در ادامه بیان می‌کند: «ظرفیت برای ساخت فیلم‌هایی با کیفیت و درجه یک در ژانر کودک بسیار بیشتر از آن چیزی است که شاهدش بودیم. چراکه برخلاف تصور برخی، ساخت این گونه فیلم‌ها از حساسیت بیشتری برخوردار است. و از آنجایی که هر اثر سینمایی به عنوان یک وسیله آموزشی برای کودکان عمل می‌کند، باید پیش از تولید تحقیقاتی انجام شده و با توجه کردن به ساختار سینمایی به اثر خوبی برسیم. دیگر این که این نوع فیلم‌ها باید موضوع آموزشی را درون خود نهفته داشته باشند تا باعث ایده‌پردازی برای مخاطبانش شود.»

او در ادامه با اشاره به فیلمی حاضر در جشنواره که توانسته بود همه این فاکتورها را کنار هم جمع کند، خاطر نشان می‌کند: «این نمونه یک اثر صحیح در نمایش کودکان سرطانی و مختص به مخاطبان همان گروه بود.»

آسایش در ادامه با اشاره به اتفاق خوبی که به واسطه این جشنواره در حوزه سینمای کودک رخ داده است، گفت: «اگر به این حوزه جدی‌تر از پیش توجه شود اتفاقات خوبی رخ می‌دهد. این جشنواره آغاز خوبی بود. پس بهتر است در جریان شکل‌گیری اتفاقات، تخصص را نیز به این مقوله وارد کنیم.»

### جایگاه ویژه سینمای کودک قربانی انتخاب اشتباه شد

علی شاه‌حاتمی دیگر داور این بخش با اشاره به نمایندگان کشورهای حاضر در جشنواره بیان کرد: «هیچ کدام از این فیلم‌ها چالشی نبودند. شاید اگر فیلم‌ها از تنوع بیشتری برخوردار بودند، شاید به این چالش و تأثیر گذاری می‌رسیدیم. اما گاه تصور می‌شود برگزیدن نمایندگان این چنینی نشان از رضایت سطح کیفی‌ای دارد که ما در آن به فیلم‌سازی مشغولیم.»

او در توضیح این مسئله بیان کرد: «فیلم‌های حاضر در این بخش درخور سینمایی که حرف اول را در دنیا می‌زند، نبود. فیلم‌های ژانر کودک در دنیا دارای ارزش هستند. پس بهتر است با دقت نظر بیشتری به این حوزه و حتی تولیدات داخلی توجه شود. به خاطر داریم که روزگاری سینمای ایران در ژانر کودک، آثاری را خلق می‌کرد که در دنیا مورد توجه قرار می‌گرفتند و به عنوان فیلم‌های ارزشمند شناخته می‌شدند. اما در سال‌های اخیر این مسئله به شدت رنگ باخته است. این که به سینمای کودک به صورت تخصصی نگاه کنیم، موضوع مهمی است که خیلی از فیلم‌سازان این ژانر حتی آن را به دست فراموشی سپرده‌اند یا حیطه فیلم‌سازی خود را تغییر داده‌اند. همین فاصله گرفتن تهدیدی بزرگ برای

برنامه‌ریزی کنیم؛ حتی به دنبال همایش‌های بین‌المللی و حرکت‌های بزرگ‌تری چون اجلاس سران کشورهای غیرمتعهد باشیم.

سالن‌های نمایش قدیمی این شهر بنا به گفته شما از تجهیزات و امکانات تازه‌ای برخوردار شدند، در حالی که هنوز مشکلاتی در سطح کیفی آن‌ها دیده می‌شد، به غیر از چشم‌اندازی که برای دوره بعدی ترسیم کردید، چه اتفاقاتی امسال رخ داده است؟

پیش از برگزاری جشنواره تمام سالن‌ها تجهیز شد و خوشبختانه هیچ مشکلی در این مورد وجود نداشت. گرچه با توجه به کیفیت موردپسند ما هنوز این سطح کافی نیست.

این چشم‌انداز و خبر تأسیس کاخ جشنواره نویدی برای ماندگاری جشنواره فیلم کودک و نوجوان در اصفهان است، به این واسطه دیگر شاهد رفت و برگشت این رخداد به سایر استان‌ها نخواهیم بود؟

نطفه این جشنواره در اصفهان بسته شده، مصوبه اصلی جشنواره در هیئت دولت در سال ۱۳۸۰ نیز متعلق به اصفهان است. علاوه بر این ظرفیت‌های موجود در این شهر هم ما را به سمت نهادینه کردن این رخداد می‌برد. به عنوان مثال سال گذشته چند سالن سینما برای اکران ثابت فیلم‌های کودک انتخاب شدند، اما متأسفانه پس از چند ماه مواجهه با کمبود تولیدات، این طرح شکست خورد. حتی این مشکل نیز با توجه به تفاهمی که با جناب آقای میرعلایی رئیس بنیاد سینمایی فارابی برای تشکیل یک هیئت پنج نفره سیاست‌گذاری انجام شده، قابل حل است. **تبلیغات شهری که به واسطه برگزاری جشنواره انجام دادید چه بوده، میزان مشارکت مردم در این جشنواره چگونه بوده است؟**

۵۰۰ سانس فیلم در شهر اصفهان، ۱۱ استان و ۱۳ شهر مرزی نمایش داده شد. به غیر از این در کتابخانه مرکزی اصفهان، نمایشگاهی از نامه‌هایی که با عنوان دل‌نوشته توسط بچه‌ها نگاشته شده، در حال برگزاری است. روزانه دو برنامه زنده توسط عمو پورنگ برای بچه‌های محروم شهر، که توسط شهرداری به این سالن‌ها می‌آیند اجرا می‌شود. در همین اتفاقات ۷۰ هزار نفر از خانواده‌های اصفهانی در بخش‌های مختلفی اصلی و جنبی درگیر هستند. اگر این تعداد را به روزهای جشنواره تممیم دهیم، جمعیت قابل توجهی که با ما مشارکت کردند، حاصل می‌شود. این واقعه توانسته یک حرکت شاد و پرجنب‌وجوش را هم برای مردم اصفهان و هم مردم سایر نقاط کشورمان ایجاد کند. به خصوص در شرایط حال حاضر کشور که به نظر می‌رسد شادی و نشاط بیش از هر چیز دیگری مورد نیاز است.

### این جشنواره از نظر اشتغال‌زایی و درآمدزایی چه کمکی برای اصفهان داشته یا می‌تواند داشته باشد؟

در طول این یک هفته خانواده‌ها به صورت موقت به عرصه وارد شده‌اند و همین امر موجب شده که به صورت مقطعی در اقتصاد شهر تأثیراتی را شاهد باشیم. اما از این مهم‌تر کارها و برنامه‌هایی است که باید در این زمینه شکل بگیرد. همین طور اگر بتوانیم مذاکراتی با اصحاب هنر داشته باشیم، می‌توانیم تلاش مضاعفی برای سینما و تئاتر اصفهان انجام دهیم. و جشنواره را به دوران گذشته‌ای که سینمای کودک اصفهان سرآمد بود، بازگردانیم.

**با توجه به جشنواره بیست‌وششم که سرآغازی است برای اتفاقات مثبت در شهر اصفهان پیام این رخداد را چه می‌دانید؟**

به نظر من همان پیامی که برای این جشنواره در نظر گرفته شده، بهترین بوده است. کودک با نشاط، نوجوان آگاه و خانواده پایدار. در چنین موقعیت بحران‌زده‌ای که بی‌شک نشاط را از بین می‌برد و از طرفی بر روند آگاهی‌بخشی تأثیر معکوس می‌گذارد، می‌تواند به واسطه چنین اتفاقاتی تأثیرات مثبت گذاشته و هدف اصلی را محقق کند. به همین جهت ما می‌توانیم شاهد خانواده پایدار باشیم که در مقابل مضلات و مشکلاتی که با آن دست به گریبان هستند، بنیان خانواده را حفظ کنیم.

کل سینمای ایران است. چراکه با نگاهی به تاریخ سینمای ایران متوجه خواهیم شد که این ژانر به جهت مورد توجه قرار گرفتن در عرصه‌های جهانی و کسب جوایز متعدد پرافتخارترین ژانر محسوب می‌شود.»

او در ارتباط با نگاه سینمای ایران به موضوعات فیلم‌ها گفت: «در دنیا توجه به موضوع مورد پرداخت فیلم آن هم به جهت جلب توجه همگان بسیار اهمیت دارد. شاهد مثال این موضوع هم موفقیت‌هایی است که فیلم‌های سینمای ایران، علی‌الخصوص ژانر کودک توانستند در جشنواره‌های جهانی بدون حضور داوران ایرانی جوایزی را به دست بیاورند.»

شاه‌حاتمی در خاتمه بیان کرد: «شاید باید مسئولان امر و حتی اهالی رسانه در این ارتباط به آسیب‌شناسی بپردازند تا پیش از حل مشکلات مقطعی و ساده علت قهر فیلم‌سازان سینما را با این ژانر کشف کنند.»

### بستر اتفاقات فرخنده در جشنواره پرافتخار

در ادامه و با توجه به جایگاه سینمای کودک ایران که از نظر دو داور بخش بین‌الملل عنوان شده بود، با امیر اسفندیاری مدیر بخش بین‌الملل جشنواره گفت‌وگو کردیم.

او سینمای کودک را یکی از جهانی‌ترین ژانرها دانست و بیان کرد: «این ژانر به عنوان نقطه قوت کل جریان سینماست. به همین خاطر انصاف نیست که به این سینما مثل گذشته توجه نشود تا شاهد افت آن باشیم. گرچه در سال‌های اخیر باز هم سینمای کودک به روال عادی و پیشین خود بازگشته است.» اسفندیاری در ارتباط با امکان عرضه فیلم‌های کودک و بازاریابی در عرصه جهانی گفت: «سینمای کودک همیشه در عرصه‌های جهانی مطرح بوده و هست. اما در جشنواره‌های این چنینی نقطه‌نظرات فیلم‌سازان از کشورهای مختلف تبادل می‌شود. به علاوه کشف بهترین‌ها از دل جشنواره امکان پیشرفت در زمینه فیلم‌نامه‌نویسی و فیلم‌سازی در آینده را فراهم می‌کند.»

مدیر بخش بین‌الملل چنین ادامه می‌دهد: «طبیعتاً مجموعه مشکلات و اتفاقات بر روند تولید فیلم تأثیرگذار است. اما پی‌گیری یک نهاد و حمایت از افرادی که می‌خواهند در این زمینه فعال باشند، باعث بهبود اوضاع می‌شود. با این اوصاف اگر تلاش کنیم تا در کنار مشکلات حرکتی معقول و در جهت برطرف کردن موانع داشته باشیم، می‌توانیم به جایگاه بالایی برسیم.»

اسفندیاری در خاتمه گفت: «در چند سال اخیر فیلم‌سازان ما از دنیای کودک فاصله گرفته‌اند و به سمت دیگر ژانرها رفته‌اند. گرچه به این مسئله نمی‌توان خرد گرفت. اما باید تلاش کنیم که باز هم ژانر کودک با اقبال و توجه مواجه شود.»

آراز بارسقبان

درباره سه انیمیشن حاضر  
در جشنواره بیست‌وپنجمانیمیشن‌هایی که  
این سال‌ها تولید می‌کنیم

انیمیشن یکی از مهم‌ترین قالب‌های هنری برای کودکان در سرتاسر جهان محسوب می‌شود. قالبی که می‌بایست در سینمای کودک ما جایگاه ویژه‌ای داشته باشد. بها دادن به این قالب در دستور کار مسئولان فرهنگی تمام کشورهای جهان قرار دارد. جشنواره کودک می‌تواند یکی از بهترین جاهایی باشد که هر ساله انیماتورها گردهم بیایند و به تبادل نظر و ارائه آثار خودشان بپردازند.

## نگین هفت دریا؛ جایی میان بازی‌های کامپیوتری و انیمیشن

عباس محبی متولد سال ۱۳۵۶، دانش‌آموخته هنر است، در دانشگاه گرافیک خوانده و از سال ۷۹ در مرکز صبا به عنوان انیماتور کار کرده است. قرار گذاشتن با او زیاد سخت نبود. در خیابان یوسف‌آباد دفتری مشترک داشت؛ دفتری که به نظر نمی‌رسید احساس تعلق خاصی نسبت به آن داشته باشند. مواجهه با او شبیه مواجهه‌ای بود که شما با انیمیشن کوتاه **گروه تک نفره** داشتید. به همان نسبت تماشای خود **نگین هفت دریا** هم تجربه مشابهی است. انیمیشنی که به گفته محبی ابتدا قرار بود در ۱۳ قسمت ۱۰ دقیقه‌ای براساس داستان‌های هزار و یک شب ساخته شود. «اما داستان ساخته شدن این فیلم خودش داستانی است. من علاوه بر تهیه‌کنندگی اش در پنج شش جایگاه مختلف هم کار کرده‌ام. البته فیلمنامه کار را آقای ابوهاشم نوشت. اولین قرارداد این فیلم اوایل سال ۸۵ بود. من از نظر ذهنی شش سال درگیر کار بودم. شش ماه اول به پیش تولید گذشت. اما گفتند فیلم باید ۷۰ دقیقه باشد. پروژه به خاطر مسائل مختلفی دو سه سال متوقف ماند تا این که دوباره با تغییر مدیریت پروژه از سر گرفته شد. یعنی از اواخر سال ۸۹ دوباره کلید خورد.» همین روند زمانی آدم‌ها را تغییر می‌دهد. او خودش را با وجود این که تهیه‌کننده کارهای خودش است، یک تهیه‌کننده نمی‌داند و می‌گوید: «من یک تولیدکننده هستم. به خاطر همین هم تهیه‌کنندگی کارهایم را سعی می‌کنم خودم به عهده داشته باشم و کیفیت کار را بالا نگه دارم.» البته با همین بالا پایین شدن‌ها و عقب جلو افتادن‌ها سعی کرده که کار را تمام کند. چون تمام تلاشی که کرده این بوده که پروژه را تمام کند. برایش خیلی مهم بوده. «منی خواستم دچار اتفاقی شوم که برای خیلی از پروژه‌هایی که می‌شناسم بیفتد.»

تماشای انیمیشن سریع بود. داستان زیاد پیچیده نبود، فضا سازی‌ها متفاوت نبودند. اما یک نکته‌ای در کیفیت فنی فیلم بود که خود محبی زیاد رویش تأکید داشت و این را می‌شد در هر نما از فیلم دید؛ نورها و حرکات شخصیت‌ها بسیار کار شده بود. تأکیدی که روی زاویه نورها می‌کرد، از نقاط قوت انیمیشن بود. هر چند شخصیت اصلی داستان هم خودش در طراحی خاص بود. اما داستان پیچیده‌ای تعریف نمی‌شد. همه چیز در فیلم واضح و ساده اتفاق می‌افتاد. مشکلاتی که در فیلم به چشم می‌خورد، عمده این است که به نظر نمی‌رسد کارگردان آزادی عمل زیادی برای فضا سازی‌هایش داشته و همین تأثیر مستقیمی در کیفیت انیمیشن می‌گذارد.



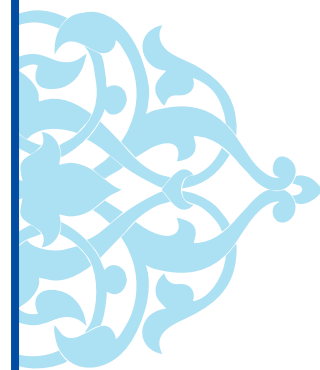
## قلب سیمرغ؛ گامی برای رسیدن به زبان بصری ملی

دیدار با وحید نصیریان کارگردان **قلب سیمرغ** که به جرئت می‌شود نامش را اولین انیمیشن بلند سه بعدی ایران گذاشت، بسیار جالب و تصادفی بود. پیدا کردنش چیزی نیست که باید به آن اشاره کرد. آن فقط یک خاطره است. خاطره از آشنایی نزدیک با فردی که چندین سال از عمرش را صرف ساختن اثری کرده که اگر آکران درست و به موقعی داشته باشد، می‌تواند پایه خوبی برای یک شروع چیزی به نام سینمای جریان اصلی انیمیشن در کشور باشد. نصیریان پیش از این که انیماتور باشد، یک طراح و نقاش است که به نقاشی‌های قدیمی ایران آشناست و سعی کرده فضای ذهنی خودش را در قالب یک انیمیشن بلند، با استفاده از داستانی کهن، اما در مکانی بی‌زمان ارائه بدهد. با وجود این که داستانی است که می‌تواند مخاطب بزرگسال داشته باشد، خودش می‌گوید: «سعی کردیم داستان را طوری تنظیم کنیم که تلخی فضا کمتر شود، چالش‌های شخصیت‌ها کمی دل‌نشین‌تر شود و مخاطب نوجوان را در نظر بگیریم. ما نسخه اول را برای بچه‌ها نشان دادیم و آن‌ها وقتی درست به جاهایی می‌رسیدند که کمی فضا طنز می‌شد، خنده‌شان شروع می‌شد و از خستگی فضای کلی کار کاسته می‌شد. البته این فیلم از ابتدا برای کودک نوشته نشده و برای نوجوانان است. تمام این‌ها بر کار من تأثیر گذاشت؛ از ساخت موسیقی تا تدوین و فضا سازی‌ها. فیلمنامه اولیه من تا اجرای نهایی کار مرتب سیقل می‌خورد.» **قلب سیمرغ** ریتم خیلی تندی دارد. داستان از همان ابتدا که شروع می‌شود، یک نفس ادامه پیدا می‌کند و ما هیچ جایی در داستان برای استراحت نداریم. آدم‌های داستان خلوت ندارند. خودش می‌گوید: «می‌توانستند داشته باشند.»

او پایه شروع کارش را از این‌جا می‌بیند که به خاطر تصویرسازی یک سری کتاب‌های مصور وارد ماجراهای اساطیری می‌شود. در شخصیت‌پردازی‌ها و فضا سازی‌ها از عناصر نقاشی قدیمی زیاد استفاده شده؛ عناصری که نصیریان درباره‌شان چنین توضیح می‌دهد: «من نقاشم. جنبه نقاشی‌ام بیشتر در کارهایم تأثیر گذاشته. انیمیشن کار کردن همیشه برای خودش بهانه‌هایی درست می‌کند. حس‌های شخصی خودم است که رو می‌آید. من همیشه می‌پرسم قهرمان واقعی ما الان کجاست؟» قهرمان واقعی ما درست در جایی شکل می‌گیرد که قهرمان اصلی داستان **قلب سیمرغ** به خودش می‌آید. او یک قهرمان بسیار تنهاست. دوروبرش خالی از هر نوع انسانی است. فقط رستم است که به شخصیت کمک می‌کند و از او می‌خواهد که خودش را آماده جنگ با اهریمن کند، که در داستان همان ضحاک است.

زمانی که ساخت این انیمیشن برده است، بسیار زیاد بوده و کار کردن برایش بسیار سخت بوده. مشکل هزینه و بودجه اولین مسئله‌ای بوده که او با آن مواجه شده. خودش می‌گوید: «من برای ساخت این فیلم خانه فروخته‌ام. چون فیلم برایم خیلی مهم بود و بخش مهمی از سال‌های زندگی‌ام را به آن اختصاص داده‌ام.» او از تجربه‌ای که پشت ساخت این فیلم خوابیده است، می‌گوید: «این فیلم را بچه‌های سینما خیلی دوست داشتند. خودم هم از نتیجه کار راضی هستم.» کل هزینه ساخت این فیلم معادل با هزینه ساخت فقط ۴۵ فریم از قسمت اول فیلم **پاندای کونگ فو کار** است. ساخته شدن چنین فیلمی با این بودجه خودش یک تجربه بسیار گران‌بهاست و باید سایر انیماتورها از چنین تجربه‌ای درس بگیرند.

**قلب سیمرغ** می‌تواند با آکران درست راهی باشد برای این که ما بعد از آن شاهد آکران سایر انیمیشن‌های مخصوص کودکان باشیم و تجربه ساخته شدن چنین فیلم‌هایی در کشور می‌تواند کمک بسزایی به پیشبرد انیمیشن کودک و نوجوان در کشور بکند.







## مسابقه انیمیشن کوتاه ایران



### آقای مهربان؛ توجه به مضامین دینی و باورهای مذهبی مردم

وقتی قرار است به تماشای انیمیشن‌های سینمای ایران بنشینیم، همان اندازه که نمی‌دانیم و انتظار نداریم با چه چیزی مواجه می‌شویم، کم و بیش هم می‌دانیم شگفتی‌ای در کار نیست. هیچ کس به تماشای انیمیشن خوش‌بین نیست. حق هم دارد. در جهانی که قلمرو آن را بارها و بارها و پیکسار و انیماتورهای بلوک شرق و آسیایی دور و آلمانی‌ها و فرانسوی‌ها فتح کرده‌اند و گسترش داده‌اند، به دنبال جایگاهی برای انیمیشن‌های وطنی گشتن کار بسیار سختی است. و نه... گمان نمی‌رود مسئولی در کشور باشد که نداند ارزش صادراتی محصول هنری‌ای به نام «انیمیشن» چقدر بالاست و باید توجه زیادی به آن شود. به همان اندازه گمان نمی‌کنم انیماتوری باشد که نداند خارجی‌ها (حالا هر کی!) قبلاً تقریباً تمام قلمروها را فتح کرده و جایی برای کشورگشایی باقی نگذاشته است. تمام قلمروها، جز یک قلمرو؛ قلمرویی که در محدوده مرزهای هر کشوری در جهان کشیده شده.

وقتی به تماشای انیمیشن آقای مهربان می‌رفتم، با انتظار شماره دومم می‌رفتم؛ منتظر هیچ چیز شگفت‌انگیزی نبودم. وارد دفتر دپ یکی از فرعی‌های خیابان عباس‌آباد شدم. دو ساعت به قرار دیر رسیده بودم و کلی از این بابت معذرت‌خواهی کردم. تقریباً ساعت به ظهر خورده بود. ظهر پنج‌شنبه. آقای علیرضا گلپایگانی از من پذیرایی کرد و بعد گفت در اتاق منتظر باشیم تا بقیه عوامل کار یعنی کارگردان دیگر بهنام دلدا، تهیه‌کننده کار زرین‌آبادی و مدیر هنری پروژه کار موحد هم بیایند. پس ما با یک تیم تقریباً منسجم طرف هستیم. آن‌ها دفترچه‌ای را که توضیحات کلی پروژه را داده بود، در اختیارم گذاشتند. کل روند تولید را که یک سال به طول انجامیده بود، در آن دفتر به ثبت رسانده بودند. گلپایگانی درباره شروع به ساخت آقای مهربان چنین توضیح داد: «در زمان مدیریت آقای ارگانی در مؤسسه صبا فیلمنامه‌ای را که داوود امیریان به نام مرد مهربان نوشته بود، مورد پسند آقای ارگانی قرار گرفت و آن را به شرکت ما پیشنهاد دادند. ما فیلمنامه خاصی داشتیم، فیلمنامه‌ای که توجه خاص و متفاوتی به داستان ضامن آهوی امام رضا (ع) داشت. این طوری بود که من و آقای دلدا سعی کردیم دست به تولید اولین کار بلند شرکت بزنیم. فرایندی که دو سال به طول انجامید. البته فیلمنامه سه بار بازنویسی کامل شد، چون متن اصلی برای ۴۰ دقیقه تنظیم شده بود، پس ما مجبور بودیم که داستان‌های بیشتری در کار وارد کنیم تا بتوانیم زمان را به ۷۰ دقیقه برسانیم.» دلدا در حرف‌ها را این طوری تکمیل می‌کند: «ایده اصلی و محوری کار برای خود آقای امیریان بود، ولی نیاز داشتیم که این ایده را گسترده‌تر کنیم تا سینمایی‌تر شود چون ماجراهایش کمتر بود.» اما توضیح نهایی در این باره را تهیه‌کننده کار زرین‌آبادی می‌دهد: «فیلمنامه امیریان چاپ شده و حقوق آن را هم به استودیو صبا فروخته بودند. دلیل اصلی جذابیت و تفاوت این داستان در این بود که زاویه دید این بار متعلق به حیوانات است. آهو و خانواده ماجرا را پی‌گیری می‌کنند. حیوانات درگیر عاطفه و احساسات می‌شوند. ما از زاویه دید آن‌هاست که با امام و شخصیت ایشان آشنا می‌شویم. همین موضوع جذابیت داستان را بیشتر می‌کرد.»

داستان همیشه پایه اصلی کار بوده. اما تکنیک در انیمیشن اگر حرف اول را زند، مسلماً از شروط اصلی و پایه‌ای کار است. دلدا می‌گوید: «از تکنیک انیمیشن سه بعدی استفاده کردیم، اما فضا سازی‌ها سنتی دو بعدی اجرا شد. این انیمیشن ترکیب دو بعدی و سه بعدی نیست. این فیلم ترکیب سه بعدی است. قرارداد کار ما دو بعدی بود، اما انیمیشن کار به دو بعدی وفادار نبود.» انیمیشنی که سوای کار روی فیلمنامه‌اش، یک سال تمام تولیدش طول کشید. استوری‌بردی که استفاده کردند، از تکنیک انیماتیکس بود؛ تکنیکی که روند کلی فیلم و استوری‌برد داستان را به صورت هم‌زمان به کارگردان نشان می‌دهد. حالا در این بین فضا سازی کار هم مهم بود. گلپایگانی می‌گوید: «ابتدا گفتیم ماجرا در خراسان رخ می‌دهد. تحقیقات میدانی خودمان را شروع کردیم. اما وقتی نگاه تاریخی‌ای به خود ماجرا انداختیم، دیدم مرو که شهر محل حضور امام رضا (ع) بوده، در مشهد امروزی نیست. تقریباً جایی می‌شود در تاجیکستان. مشهد محل شهادت امام رضا بوده، اما محل زندگی ایشان نبوده.» مدیر هنری پروژه، موحد این‌طور توضیح می‌دهد: «ما تودهای مختلفی زدیم. ولی یک چیزی که برای من خیلی مهم است، این است که مستندگونه بودن فضاها تا حدی تأثیرگذار است. اما اگر بخواهیم انیمیشن کار کنیم، جذابیت بصری است. به تصویر کشیدن جایی که هیچ جذابیتی ندارد، آن هم با در نظر گرفتن مخاطب کودک زیاد کار صحیحی نیست. ما از ترکیب‌بندی‌های مختلف استفاده کردیم.»

بعد از گپی که با اعضای تیم داشتیم، به تماشای کار نشستیم. به عنوان یک بیننده هم‌چنان بر پایه انتظار دومم بودم؛ اتفاقی قرار نیست بیفتد. اما ماجرا برخلاف انتظار من پیش رفت. ظهر بود، ساعتی که انرژی‌ها معمولاً کم می‌شود. این‌جا نمی‌خواهم از نوع تکنیکی انیمیشنی که کارگردان‌ها به کار برده بودند، بگویم. چون جز برای خودشان، چیز تازه‌ای به روند جهانی انیمیشن جهان اضافه نمی‌کردند. آن‌ها از تمام تجربه خودشان استفاده کرده بودند تا یک داستان اصیل را از دل باورهای مذهبی مردم با رعایت دقیق قواعد فیلمنامه‌ای و حتی بصری به تصویر بکشند. فیلمشان را طوری ساخته بودند که هر چه جلوتر می‌رفتی، احساس خستگی کمتری می‌کردی و دوست داشتی ببینی چطوری می‌شود در انیمیشن، یکی از اتمه شیعه را طوری وارد ماجرا کرد که به بافت داستانی و روایی لطمه نخورد و حق مطلب را ادا کرد.

آن‌ها بعد از ساخته شدن این انیمیشن بزرگ‌ترین منافع خودشان را در تجربه‌ای می‌بینند که بعد از اتمام این کار به دست آوردند؛ تجربه‌ای که حتی در انتقالش هم موفق بودند. آقای مهربان یکی از القاب امام رضا (ع) بوده و بعد از دیدن این فیلم که هوشمندانه از زاویه دید موجودات غیرانسانی، اما با احساسات انسانی روایت می‌شود، می‌توان بیشتر و بهتر به این لقب و موقعیت امام فکر کرد. این کاری است که هر انیمیشن خوبی که ساخته می‌شود، انجام می‌دهد.

امسال در بخش مسابقه انیمیشن کوتاه و نیمه بلند ایران ۲۵ فیلم شرکت کرده‌اند. ۲۵ فیلمی که همه جزو تولیدات سال‌های ۹۰ و ۹۱ هستند.

- آواز شب به کارگردانی معین صمدی
- باغ هزار دختران به کارگردانی لیلا خلیل‌زاد
- بچه همه به کارگردانی لیدا فضلی
- ترازو به کارگردانی رامین رهبر
- توکا در قفس به کارگردانی مهرداد شیخان
- چرا این تلفن زنگ نمی‌زند؟ به کارگردانی هادی یقین‌لو
- خط قرمز به کارگردانی مونا عبدالشاهی
- داستان زندگی پرنمر و با افتخار مداد قرمز به کارگردانی علیرضا چیتایی
- دوست سیاه من به کارگردانی نرگس تسلیمی
- راز آن درخت به کارگردانی معین صمدی
- سوسک کوچک به کارگردانی حسین ملایمی
- شب گوسفند به کارگردانی امیر مهران
- کبوتر سفید کنار آینه به کارگردانی مریم خلیل‌زاده
- کچل کفتر باز به کارگردانی صادق جوادی
- کرماندو به کارگردانی حامد اکرمی
- کودکان دشت به کارگردانی سعادت رحیم‌زاده
- گوی زندگی به کارگردانی مشترک مجید صبری و منصوره خطیون
- ماه مهربان به کارگردانی نازنین سبحان سربندی
- ماهی گیر به کارگردانی نیما غضنفری
- مترسک به کارگردانی محمد رضا عابدی
- مزرعه بلال به کارگردانی احسان تسویه‌چی‌زاده
- من، همسر و گاو من به کارگردانی آزاده معزی
- نقش به کارگردانی زیبا ارژنگ
- ننه کلاغه و روباهه به کارگردانی محمد علی سلیمان‌زاده
- وال استریت به کارگردانی فنوش عابدی



# سینما همچنان سینماست

صوفیا نصرالهی



نقطه‌نظرات با هم متفاوت‌اند. خوب است که ما نظر یکدیگر را بشنویم تا از هم یاد بگیریم. وقتی شروع به شنیدن نظرات یکدیگر کنیم، به نقطه‌نظرهای مشترک می‌رسیم.»

علی شاه‌حاتمی درباره جشنواره امسال گفت: «البته مهمانان خارجی درباره فیلم‌های جشنواره با لطف سخن گفتند، ولی واقعیت این است که متأسفانه به نظرم سینمای کودک ایران مثل قبل شگفت‌زده‌شان نکرد. در حالی که سینمای کودک ایران این قابلیت را دارد که تکن‌دهنده و احساس‌برانگیز باشد. دلیلش هم این است که بسیاری از فیلم‌سازان خوب ما دیگر فیلم کودک نمی‌سازند. عباس کیارستمی که یکی از مهم‌ترین فیلم‌سازان مادر زمینه سینمای کودک بود، دو فیلم اخیرش اصلاً درباره کودکان نیست. آن‌ها از ژانری فرامی‌کنند که پرافتخارترین ژانر سینمای ایران تا امروز بوده است.»

ویشکا آسایش برای اولین بار بود که در جمع هیئت داوران یک جشنواره کودک حضور پیدا می‌کرد. او ضمن ابراز خشنودی از این بابت گفت: «خوشحالم که در کنار آدم‌های بزرگی نشستیم و چیزهای زیادی از آن‌ها آموختم. تجربه جذابی بود چون خودم عاشق بچه‌ها هستم و شاید هنوز هم کمی از عالم کودکی در من وجود داشته باشد، چون هم‌چنان فیلم‌های کودک را نگاه می‌کنم. اما راستش توقع من چه از فیلم‌های ایرانی و چه خارجی بیشتر از این‌ها بود. فکر می‌کردم چون جشنواره کودک است، فیلم‌های خیلی خیلی جذاب‌تری خواهیم دید. شاید دو سه فیلم دیدم که مرا خیلی تحت تأثیر قرار دادند، ولی این برای من خیلی کم است.» در مقابل سلمان آریستو هم چنان ستایشگر سینمای ایران بود و گفت که هنوز هم برایش فیلم **کلید** که اولین فیلم ایرانی بوده که دیده، بهترین فیلم سینمای کودک است. او از رئالیستی بودن سینمای کودک ایران تقدیر کرد. در پایان جلسه از هیئت داوران نوجوان پرسیده شد با توجه به چیزهایی که از ایران می‌دانند و می‌بینند، اولین تأثیری که از ایران گرفتند چه بود. پاسخ‌های متفاوت و البته دلچسب این نوجوانان خیلی جالب بود. داور نوجوان هندی گفت: «اولین چیزی که به نظرم رسید، ترافیک وحشتناک بود، ولی بعد متوجه طراحی شهر و پل‌ها شدم که خیلی زیبا بودند و خود مردم ایران که بسیار مهربانند.» نوجوان آلمانی اظهار داشت: «نکته‌ای که برای من خیلی جالب بود، تکنولوژیک بودن تهران بود. فکر نمی‌کردم ایران این قدر مدرن و تکنولوژیک باشد.» داور نوجوانی که از ایتالیا آمده بود، اظهار داشت: «هنر واقعاً نمی‌دانستم در ایران باید انتظار چه چیزی را بکشم. این کشور مدرن است همراه با فرهنگ قدیمی. معمولاً وقتی شهرها مدرن هستند، خالی از فرهنگ و تاریخ‌اند. می‌گویند ملتی که گذشته‌های نداشته باشد، آینده‌ای هم نخواهد داشت. اما مردم ایران نسبت به گذشته‌شان آگاه‌اند، در نتیجه حتماً آینده خوبی خواهند داشت.»

جلسه داوران بین‌الملل نیمه شب به پایان رسید، در حالی که به نظر می‌آمد مهمانان خارجی و اعضای هیئت داوران از حضورشان در این جشنواره واقعا لذت برده‌اند.

شد نیز اظهار داشت: «تفاوت زیادی بین فیلم‌هایی است که در مورد بچه‌هاست و فیلم‌هایی که مخاطبشان بچه‌ها هستند.» پس از آن سؤال‌های خبرنگاران آغاز شد و هیئت داوران بزرگسال و نوجوان هر دو پاسخ‌گوی سؤال‌ها بودند. نکته جالب تیزهوشی و حاضر جوابی چند نفر از بچه‌های عضو هیئت داوران بود که حضار آن‌ها را به شدت تشویق کردند. بور تونه در پاسخ به این سؤال که آیا عنصر مشترکی میان فیلم‌های جشنواره وجود داشت که نشان بدهد فیلم‌سازان به آن مقوله توجه خاصی نشان داده‌اند، گفت: «شاید اگر این فیلم‌ها را جداگانه می‌دیدم، متوجه عنصر مشترکی در آن‌ها نمی‌شدم. اما چون همه این فیلم‌ها را کنار هم دیدم، متوجه شدم که بسیاری از آن‌ها در مورد مقوله فقدان پدر یا مادر یا مواجهه با مرگ یکی از عزیزان است. فکر می‌کنم این نشان می‌دهد که مهم نیست بچه‌ها از کجای دنیا آمده باشند. آن چیزی که نیازمندند، یک زندگی ثابت و پر از احساس است.»

گاناترا درباره تأثیر منفی زیاد شدن شبکه‌های تلویزیونی بر سینمای کودک توضیح داد: «تلویزیون سال‌هاست که جهان را تسخیر کرده، ولی سینما هم چنان سینماست. ما در هند ۲۰۰ کانال داریم، ولی ۱۰۰۰ فیلم در هفته تولید داریم. اما هر قدر به شبکه‌های تلویزیونی اضافه می‌شوند، به مولتی‌پلکس‌ها و سینماهایمان اضافه شدند. و هنوز هم فیلم‌هایی با بودجه زیاد تولید می‌شوند. من سال‌هاست با سینمای ایران آشنا هستم. فیلم‌های ایران رئالیستی باقی ماندند، در حالی که سینمای غرب تبدیل به فانتزی شده است. الان موقعیت تغییر کرده است. پیش از این هر ستاره‌ای فقط در حوزه سینما فعالیت می‌کرد. اما الان موقعیت تغییر کرده است و هر ستاره‌ای دوست دارد در یک برنامه تلویزیونی ظاهر شود و در برنامه‌های زنده شرکت کند و خودش و فیلم‌هایش را تبلیغ کند.» از داوران نوجوان سؤال شد که آیا نظر شما با نظر داوران بزرگسال تفاوت زیادی دارد و این تفاوت‌ها و نظر بزرگ‌ترها درباره سینمای کودک به نظر تان مضحک نمی‌آید؟ جواب هوشمندانه داور نوجوان ایتالیایی همه را تحت تأثیر قرار داد: «به نظر من هیچ کدام از نظرات مضحک نیستند. چون همه آن‌ها درباره فیلم‌ها هستند. و سینما هم یک هنر است، پس نمی‌تواند مضحک باشد. فقط

نشست مهمانان خارجی بیست و ششمین جشنواره بین‌المللی فجر با اجرای علی معلم و حضور داوران خارجی و امیر اسفندیاری (رئیس بخش بین‌الملل فارابی) در هتل کوثر اصفهان برگزار شد. امسال اعضای هیئت داوران شامل سلمان آریستو (اندونزی)، شیه فی (چین)، فیلیپ بودگ (آلمان)، آتینا ریکاک (یونان)، کریستیانو بور تونه (ایتالیا)، علی شاه‌حاتمی (ایران) و ویشکا آسایش (ایران) بودند. داوران سیف‌زولادیمیر دیاجیلوف (اوکراین)، وینود گاناترا (هند) و رسول صدرعاملی (ایران) به عنوان رئیس هیئت داوران هم در جلسه حضور داشتند. امسال ۲۷ نوجوان از کشورهای ارمنستان، اسپانیا، آلمان، ایتالیا، بنگلادش، بوسنی، تاجیکستان، تونس، سریلانکا، لبنان، هند و ایران داوری بخش کودک و نوجوان جشنواره را برعهده داشتند. در ابتدای جلسه امیر اسفندیاری ضمن تشکر از خبرنگاران و مهمانان حاضر در جلسه این نکته را متذکر شد که با وجود اخبار منفی که علیه ایران در رسانه‌های دنیا پخش می‌شود، والدین این بچه‌ها به خاطر سینمای ایران و عقیده فرهنگی که دارد، اجازه دادند بچه‌هایشان به ایران بیایند. خانم ریکاک به عنوان یکی از شناخته‌شده‌ترین چهره‌های سینمای کودک که قبلاً هم بارها به ایران سفر کرده بود، درباره دیدگاهش نسبت به فیلم‌های ایرانی جشنواره امسال گفت: «من به خاطر این جشنواره به شما تبریک زیاد می‌گویم. من زیاد به تهران سفر کرده بودم، ولی این دومین باری بود که در جشنواره اصفهان حضور داشتم. به نظرم خیلی خوب بود. به خصوص که کارهای زیادی از آسیا دیدم.» ریکاک از هیئت داوران نوجوان جشنواره تقدیر کرد و این نکته را که نیمی از آن‌ها اروپایی و نیمی آسیایی بودند، به عنوان یک امتیاز جشنواره محسوب کرد. او گفت: «آن‌ها درباره سینما چیزهای زیادی می‌دانستند. شما تاریخ بزرگی در سینما دارید و این بار هم فیلم‌های بسیار جالبی داشتید. به شما تبریک می‌گویم.» شیه فی که از او به عنوان استاد ژانگ میمو و چن کایگه یاد

## A PLACE FOR SHARING KNOWLEDGE

International Jury members and guests of the 26th International Festival of Films for Children and Young Adults held a press conference on 10th of October 2012. In the conference Xie Fei, Salman Aristo, Athina Rikaki, Cristiano Bortone, Philip Boudeg, members of International Youth Jury and CIFEG jury and Ali Shah Hatami, Vishka Asayesh and Easoul Sadrameli from Iran were present and talked about Isfahan Children Film Festival, its importance and different aspects of children movies screen in the festival and in general. Generally they were pleased by the movies screened in the festival and thought the festival play an important role in the festival and can be a very good opportunity for children cineastes to share their knowledge and experience about children movies.





# قهرمان و داستان مهم‌ترین عناصر سینمای کودک

صوفیا نصرالهی



نتواند با آن‌ها ارتباط برقرار کند، اما من کاملاً می‌فهمم بچه‌ای که دلش می‌خواهد چیزی را بخرد و نمی‌تواند، چه معنی دارد. یا مثلاً فیلم کلید فیلم کودک موردعلاقه من از سینمای ایران است. اگر از من بپرسید، تنها در خانه واقعی فیلم کلید است و نه آن چیزی که آمریکایی‌ها ساختند. من بارها و بارها فیلم کلید را دیدم. و قطعاً ما می‌توانیم سینمایی بسازیم که با هالیوود رقابت کند. چون آسیا بیشترین بخش دنیا را در اختیار دارد. و این که ما تقریباً احساسات و پیچیدگی‌های مشترکی در کشورهای آسیایی داریم. فیلمی دیدم از آذربایجان درباره پیرزن بافنده در همین جشنواره فیلم کودک اصفهان امسال و به شدت تحت تأثیر قرار گرفتم، چون من همه آن آدم‌ها را می‌شناختم. پس می‌بینید که بین ما اشتراکاتی هست که قطعاً کم می‌کند بتوانیم یک صنعت سینمای مشترک داشته باشیم.

**وقتی خودتان بچه بودید، کدام فیلم‌های کودک بیشترین تأثیر را روی شما می‌گذاشتند؟ اسمشان مهم نیست، مهم عنصری است که شما را جذب خودش می‌کرد.**

راستش من با دیدن یک فیلم که از روی کتاب‌های کمیک مارول ساخته شده بود، شیفته سینما شدم. اکثر هم‌سن‌وسال‌های من به سینما نمی‌رفتند. حدوداً پنج ساله بودم و آن‌ها از تاریکی سینما می‌ترسیدند، ولی من از چیزی که روی پرده می‌دیدم، شگفت‌زده شدم. مهم‌ترین چیزی که مرا جذب می‌کرد، عناصر قهرمانانه بود. قهرمان و بعد هم داستان برای من مهم‌ترین نشانه‌های سینمای کودک هستند. عاشق فیلم‌هایی بودم که برایم پنجره‌ای به سوی دنیایی دیگر باز می‌کردند. مرا از عالم خودم خارج می‌کردند و به جهانی دیگر می‌بردند.

**پس فکر می‌کنید مهم‌ترین چیزی که باعث جذب کودکان به یک فیلم می‌شود، داستان آن است؟**

بله و بعد هم این که راوی ماجرا چه کسی باشد. در فیلم‌های اولم من داستان را از زاویه دید افراد بزرگ‌سال روایت می‌کردم، اما بعد تصمیم گرفتم خود راوی هم یک کودک باشد و همه چیز را از نقطه نظر او ببینم و خب نتیجه‌اش خیلی بهتر شد.

**فکر می‌کنید جشنواره‌هایی مانند همین جشنواره فیلم کودک اصفهان می‌تواند کمکی باشد تا مثلاً سینمای کودک اندونزی بتواند بازار خودش را پیدا کند؟**

قطعاً. من این تجربه را در مورد فیلم‌های خودم داشتم. من برای یک سال هر ماه در یک جشنواره فیلم کودک شرکت کردم و می‌توانم بگویم که جشنواره‌ها کمک بزرگی به ما هستند تا برای فیلم‌هایمان بازار پیدا کنیم.

**فیلم‌های امسال جشنواره فیلم کودک را چطور دیدید؟ چند تا فیلم خیلی مرا تحت تأثیر قرار دادند. یکی همان فیلم آذربایجانی و دیگر فیلمی از اسپانیا که درباره چالش با مرگ بود. فیلم‌های آسیایی خیلی خوبی بودند که واقعا دیدنشان هیجان‌زده‌ام کرد.**

شدیم که طبیعتاً روی سینمایمان هم تأثیر خواهد گذاشت. یکی از مشکلات اصلی سینمای اندونزی نبود سالن کافی برای نمایش فیلم‌هاست. ما در اندونزی چیزی حدود ۴۰۰ سینما داریم و جمعیتی حدود ۲۳۸ میلیون نفر. در مورد سینمای کودک هم تولیدات بسیار اندکی داریم. اما با این که تعداد فیلم‌های کودکمان محدود است، اما نکته خوبش این جاست که فیلم‌سازی برای کودکان کار دل‌نشینی است و به نظر من از نظر کیفی هم سینمای کودک اندونزی رو به رشد است. اما از طرف دیگر فیلم‌سازی برای کودکان هزینه زیادی می‌خواهد و بازگشت مالی چندان ندارد. به همین دلیل هم تهیه‌کننده‌ها معمولاً روی آن سرمایه‌گذاری نمی‌کنند. بهترین راه این است که شما فیلم‌های خانوادگی بسازید که هم سودآورند و هم دیدنشان برای کودکان و نوجوانان هم جذاب است.

**شما فیلم‌های کودک کشورهای آسیایی دیگر را هم می‌بینید. می‌خواهم نظر‌تان را در این مورد بدانم که آیا عناصر مشترکی در فیلم‌های کودک کشورهای مختلف وجود دارد که بتوانیم در آسیا سینمای کودک را تبدیل به یک صنعت کنیم در مقابل سینمای کودکی که هالیوود عرضه می‌کند؟**

خب اولین عنصر مشترک این است که ما خیلی رئالیست‌تر از غربی‌ها هستیم و فیلم‌هایمان هم بیشتر واقع‌گرایانه است. برای این که ما با یک سری مشکلات روزمره مثل ترافیک دست به گریبانیم که تقریباً بین همه کشورهای آسیایی مشترک است. مثلاً خود من یکی از طرفداران سینمای کودک ایران هستم. شاید اگر یک غربی فیلم‌های کودک سینمای ایران را ببیند،

سلمان آریستو، کارگردان اندونزیایی است که مخصوص کودکان فیلم می‌سازد. در دوره گذشته جشنواره کودک اصفهان دو فیلم **رویاپرداز و عقابی در قلب من** از او به نمایش درآمد که برنده جوایزی هم شد. در حالی که سینمای اندونزی در آسیا تقریباً مهجور مانده، آریستو در تلاش است تا با ساخت فیلم‌هایی برای کودکان، سینمای کودک اندونزی را زنده کند. با او درباره فیلم ساختن برای کودکان به ویژه در کشورهای آسیایی گفت‌وگو کردیم.

**فکر می‌کنم شما پیش از این هم در جشنواره شرکت داشته‌اید؟**

دو فیلم من سال گذشته در جشنواره به نمایش درآمدند که یکی مربوط به سینمای کودک بود و دیگری بیشتر فیلم یک نوجوانانه بود. اما خودم برای اولین بار است که به ایران می‌آیم.

**خودتان را کارگردان سینمای کودک و نوجوان می‌دانید یا برحسب اتفاق فیلم‌هایی در این ژانر ساختید؟**

راستش من در اصل فیلمنامه‌نویس هستم، در نتیجه دوست دارم که در همه ژانرها چیز جدیدی کشف کنم و چیزهای مختلف را امتحان کنم. اما محرک من در فیلم‌سازی برای کودکان برادرزاده‌ام بود. برای این که من کسی بودم که او را با سینما آشنا کردم و دوست داشتم دائم او را به دیدن فیلم‌های مختلف ببرم. اما در اندونزی فیلم کودک تقریباً وجود نداشت. همان زمان برای خودم نقشه کشیدم که من باید فیلم کودک بسازم. حداقل هر سال باید یک فیلم کودک بسازم. حتی اگر نمی‌توانم کارگردانی کنم، حداقل فیلمنامه کودک بنویسم. در حقیقت یک جور احساس مسئولیت می‌کردم در مقابل برادرزاده‌ام و بقیه بچه‌ها.

**برای کارگردانان دیگر هم فیلمنامه نوشته‌اید؟**  
بله، برای دیگران هم فیلمنامه کودک نوشته‌ام. اما اگر کارگردانی‌اش را خودم برعهده نداشتیم، به عنوان تهیه‌کننده در فیلم حضور می‌یافتم.

**شاید برای خیلی از کشورها سینمای اندونزی خیلی غریبه باشد. ممکن است کمی درباره سینمای اندونزی و به ویژه بخش کودک آن توضیح دهید؟**

می‌دانید سینمای کودک اندونزی مثل کودکی است که تازه شروع به راه رفتن کرده و چهار دست و پا راه خودش را پیدا می‌کند. ما هنوز در میانه راه هستیم. برای این که در دهه ۹۰ ما یک افول اقتصادی وحشتناک داشتیم که باعث رکود سینمای اندونزی شد. بعد وقتی دوباره اقتصاد حالت نرمالی پیدا کرد، فیلم‌سازی دیگر جزو اولویت‌های دولت اندونزی نبود و بودجه زیادی برای کارهای فرهنگی صرف نمی‌شد. در نتیجه بازار سینمای اندونزی تقریباً زیر سلطه هالیوود رفت. از سینمای جریان اصلی اندونزی هیچ حمایتی به عمل نمی‌آمد. و الان هم از سال ۲۰۱۱ به این طرف ما دوباره دچار یک رکود اقتصادی

## Salman Aristo

### CINEMA AS A NEW WINDOW TO LIFE

Salman Aristo jury member of International Section of 26th International Festival of Films for Children and Young Adults believes, "Making films for children is very amazing. Besides, although it is expensive they don't work well in the box office. The best way is making films for family because they are working well in the box office while it is also interesting for children and young adults". He also added "we easterners, are more realist than westerners, in result, our films are more realistic than theirs". He pointed that attractive side of children genre is its heroic elements. "To me," he said, "first hero and next the story are the most important elements of children cinema. As a child I loved those films which opened a new window to another world, those which take me to another world."

# PARVANEHA

5 26<sup>th</sup>

INTERNATIONAL FESTIVAL OF FILMS  
FOR CHILDREN & YOUNG ADULTS

## پیامبر رحمت و کودکان

داوران کودک و نوجوان بیست و ششمین جشنواره بین‌المللی فیلم‌های کودکان و نوجوانان



ام الفضل همسر عباس بن عبدالمطلب دایه حضرت حسین (ع) نقل کرده است:  
«أَخَذَ مِنِّي رَسُولُ اللَّهِ (ص) حُسَيْنًا أَيَّامَ رِضَاعِهِ فَحَمَلَهُ. فَأَرَأَيْتَ مَا عَلَيَّ نُؤْيِهِ، فَأَخَذْتُهُ بَعْنَفٍ حَتَّى بَكَى، فَقَالَ: مَهْلًا يَا أُمَّ الْفَضْلِ إِنَّ هَذِهِ الْإِرَاقَةَ، الْمَاءُ يُطَهِّرُهَا فَأَيُّ شَيْءٍ يَزِيلُ هَذَا الْعُبَارَ عَنْ قَلْبِ الْحُسَيْنِ (ع).»

روزی رسول خدا (ص) کودکی را در آن زمان که شیرخوار بود از من گرفت و در آغوش کشید. کودک لباس پیامبر را تر کرد. من طفل را چنان با شدت از پیامبر جدا کردم که گریان شد. حضرت فرمود: ام الفضل، آرام! لباس مرا آب تطهیر می‌کند، ولی غبار کدورت و رنجش را از قلب کودک چه چیز می‌تواند برطرف نماید؟



### Prophet of Mercy and Children

Om Al-Fazl, wife of Abbas Ibn Abdolmoteleb and nursemaid of Imam Hossein relates: "Once I was nursing a child when I saw Prophet Mohammed, He hugged the child but suddenly the child started vomiting. I grabbed the child so fiercely that he started crying. Prophet Mohammed looked at me and said: "Om Al-Fazl, keep calm! The dirt on my clothes will be cleaned by water, but how the dust of pain and grief on the child's heart will be cleaned?"

### دخترک پروانه‌ای

دختر زیبایی که این روزها با آن موهای بلند و زیبا محبوب دل خیلی از ایرانی‌ها شده است، در چهارمین روز از جشنواره در سالن فرشچیان به همراه مادر حاضر شد. آرمیتای دوست‌داشتنی که حتی به علت کمبود وقت با وجود میلش حتی فرصت نکرده فیلمی از این جشنواره ببیند، فقط توانست صورتش را به دست خانم نقاش بسپارد تا به صورت خرگوش در بیاید و بعد رفت که راهی باغ پرندگان شود؛ جایی که قول گرفت مادرش حتماً برای او پروانه بگیرد.

مدیر مسئول: سیداحمد میرعلایی  
سرمدبیر: نصرت‌الله تابش  
دبیر تحریریه و اجرایی: میثم محمدی  
گرافیک: علی سمیعی‌مقدم  
خبر و گزارش: علی نعیمی  
عسل آذرپور، زهرا خلجی، حسین ارومیه‌چی‌ها  
تحریریه: آراز بارسقیان، زهت بادی، احسان حسینی‌نسب،  
پایگاه اطلاع رسانی رسمی جشنواره: [www.icff.ir](http://www.icff.ir)

آریا قریشی، رامتین شهبازی، مازیار فکری ارشاد، پیمان شوقی،  
ثمین مهاجرانی، صوفیا نصراللهی  
ترجمه: حسین عیدی‌زاده، عطیه سالارمنش  
عکس: مجید حق‌بین  
با تشکر از: مجید حجتی، مسیح حسین نژاد و علی افتخاری  
ویراستار: شیدا محمدطاهر  
حروف‌نگار: افسانه دهنمکی  
چاپ: چاپخانه رضوی